

دشمن اصلی - امپریالیسم امریکایی

رافرا موش نکنیم

مشخص و اصولی خود را عرضه نکنیم

به مردم اعتماد کنیم و نظریات و برنامه های

نوشت انقلاب ما و مبین ما و میلیونها مردم زحمتکش است. اختلاف چیست و بر سر چیست و چگونه باید طرح و حل شود؟ وجود اختلاف بیک معنا بدیهی است. از نظر خاستگاه طبقاتی، یا برداشت معرفتی، یا مکتبی، یا نحوه تربیتی و غیره، در بین اشخاص و مسئولان و در بین نیروهای اجتماعی و سیاسی، پایگاههای مختلف عقیدتی بوجود می-آید، نظریات مختلف بعنوان بدیهی است که عقاید و نظریات و راه-حلها و پیشنهادها با هم تطبیق نکنند و اختلاف وجود داشته باشد. و این بجز اختلافاتی است، که از نظر خصوصی و شخصی و یا برخی شیوههای کار و رفتار میتوان بین افراد وجود داشته باشد. آن اختلافات نوع اولی می-تواند عمده و اصولی باشد، ولی این دومیها همواره غیر عمده و فرعی است.

جو سیاسی ایران آکنده از اختلافات و جریبها شده است. دقیق تر بگوییم، آنرا آکنده از اختلافات کرده-اند. نتیجه مستقیم آنهم آشکار است: مجتبی بوجود آمده است که گویی اصل مطلب را همه دولتمردان فراموش کرده-اند. دقیق تر بگوییم، طوری همه جریانات سمت داده میشود که اصل مطلب فراموش شود. و اصل مطلب چیست؟ جز نبرد مردم و زندگی با امپریالیسم آمریکا، جز ضرورت مقابله با توطئه های آشکار و نامحسوس امپریالیسم آمریکا، جز لزوم نهایت هوشیاری برای دفاع از جمهوری اسلامی ایران و سرکوب ضدانقلاب؟

اینجاست که نمیتوان بیجهت صورت تبدیل احتمالی اختلافات شخصی را به مشاجرات سیاسی، و برخورد های فرعی و خصوصی را به تضاد های ماهوی و عمده توجیه کرد. نمیتوان کشاندن کار اختلاف نظر را به سازماندهی کارهای علیه قانون و نهادهای قانونی و برنامهدار ریزی عملیاتی را در رزای قانون و نهادهای متکی به قانون اساسی عملی غایب دانست. نمیتوان از کنار همه آنها به سادگی و با بیان مبارزه بر سر قدرت، بین دو شخص یا دو گرایش گذشت، زیرا در اینجا صحبت بر سر سر-

چرا مطبوعات، امپریالیسم امریکایی را بفراموشی سپرده اند؟

کشوره در موقیبت بسیار حساسی از حیات خود بر می-آید. امپریالیسم آمریکا با تمامی امکانات خود می-کوشد تا انقلاب شکوهمند مردم ایران را به زانو در آورد و در این راه از تدارک هیچ توطئه ای علیه انقلاب ایران کوتاهی نمی-کند: ایران را در محاصره اقتصادی قرار می-دهد، آشکارا دست به تهاجم نظامی می-زند، ناوگانهایش را به خلیج فارس گسیل می-کند، پایگاههای نظامی جدید در کشورهای مرز خلیج فارس ایجاد می-کند و با همکاری آنها مانورهای نظامی در خلیج فارس و دریای عمان انجام می-دهد. آری، امپریالیسم آمریکا در حال تدارک توطئه های آشکار و نهان فراوانی برای درهم شکستن انقلاب ایران است.

در چنین شرائط حساسی، وظیفه بسیار سنگینی بر دوش مطبوعات ایران قرار دارد. مطبوعات متعهد به انقلاب، باید با ارائه شناخت درست از اوضاع کنونی بقیه در صفحه ۲



دوره هفتم، سال دوم، شماره ۲۶۶ سه شنبه ۳ تیر ۱۳۵۹ - کت شماره ۱۵ ریل

خروج بخشی از نیروهای اتحاد شوروی از افغانستان، نشان دهنده ثبات انقلاب افغانستان و حسن نیت اتحاد شوروی است

شده اند و برای خرابکاری به افغانستان فرستاده میشوند، شکستهای سنگینی متحمل شده اند. بنظر روزنامه های ترقیخواه غرب اقدام اتحاد شوروی در مورد کمک نظامی محدود به مردم افغانستان با توجه به تجاوز زخشن آمریکا، چین و پاکستان علیه افغانستان، اقدامی اجباری بوده است. امپریالیسم جهانی این هدف را مقبول میگرداند که انقلاب افغانستان را خفه کند. به نوشته این روزنامه می-توان از طریق مسالمت آمیز و با توجه به برابری کامل، مساوی را که در اطراف افغانستان وجود آمده است، حل کرد و در این مورد باید عمل واقعی حوادث را مورد بررسی قرار داد. دولت افغانستان در سه ماه سال جاری به مسایبان خود پیشنهاد کرده است که مذاکرات برای کاهش تشنج و عدم مداخله در امور داخلی یکدیگر صورت گیرد، و در این صورت، عملی که دولت افغانستان را وادار کرد از اتحاد شوروی تقاضای کمک کند، از میان میرود.

مطبوعات ترقیخواه غربی ضمن بررسی رویدادهایی که پیرامون افغانستان بوجود آمده و تشریح علل کمک اتحاد شوروی به انقلاب مردم افغانستان، اعلام کرده اند که خروج قسمتی از نیروهای اتحاد شوروی در افغانستان از خاک این کشور، از یکسو نشان دهنده حسن نیت اتحاد شوروی در زمینه کاهش تشنج است و از سوی دیگر نشان میدهد که انقلاب افغانستان تثبیت میشود.

از جمله روزنامه الشعب نوشت که خروج بخشی از نیروهای اتحاد شوروی از افغانستان، که با توافق کامل دولت انقلابی افغانستان صورت می-گیرد، بیشتر بخاطر ثبات اوضاع در افغانستان است. خلق افغانستان روز به روز بیشتر به دولت انقلابی خود اعتماد و اطمینان نشان میدهد و راهزنان و اوباشان مزدور دین، که بوسیله آمریکا، چین، مصر و پاکستان اجیر

اجتماع ضد انقلابیون جهان و ایران در فرانسه

روزهای سی و یکم خرداد و اول تیرماه، از سوی «طرفداران آزادی در جهان» مراسم سخنرانی در شهر «بورژ» فرانسه برگزار شد. در این اجتماع، «بونیاوسکی» از شخصیتهای مرجع و مهم وابسته به رئیس جمهور فرانسه و همچنین عناصر مطرود جهان، از جمله فراریان و ضد انقلابیون ایرانی و طرفداران کشورهای سوسیالیستی حضور داشتند. «ژان لگوات» پشتیبان ژسکار دستن و طرفدار سیاست آمریکا در فرانسه، از طرف حزب «وحدت فرانسویها» سخنرانی کرد.

در گوشه ای از این اجتماع غرغری هم به ایران اختصاص داشت که بختیار خان در آن سخنرانی کرد

و گفت: «ما مشغول فعالیت جدی هستیم، خواهیم گرفت!» بزرگی در ایران حکومت را بدست خواهیم گرفت! ما هم هشدار جدیدی می-دهیم. نام مردم - است که در برابر توطئه های امپریالیسم

جرج حبش رهبر جبهه خلق برای آزادی فلسطین: دخالت نظامی شوروی در افغانستان، تنها پاسخگویی به امپریالیسم امریکایی بود

در افغانستان چیست؟ جرج حبش: ما با تمام هستگی و علاقه ای که نسبت به انقلاب اسلامی ایران داریم، اما زمانی که به حمله امپریالیسم به منطقه برای نابودی تمام نیروهای ضد امپریالیستی (صرف نظر از نوع ایدئولوژی خود) توجه می-کنیم، بروشنی احساس می-کنیم که باید نقطه نظریات یکدیگر را بهتر بشناسیم و به آنها احترام بدهیم. بقیه در صفحه ۲

آخرین نکته ای که باید بدان اشاره نمود این است که ما بر اساس اصول ملی و بین المللی خود معتقدیم که با وجود هرگونه اختلاف نظر با اتحاد جماهیر شوروی، در این مرحله حساس برای رسیدن به اهداف خود تکیه گاه اساسی و اصولی ما در مبارزات، بر ضد امپریالیسم آمریکا و سوسیالیسم می-باشد. من در رابطه با اینکه شما گفتید در حال حاضر علیرغم تمام اختلافاتی که با شوروی دارید، باید برای مقابله و مبارزه با مثلث کمپ دیوید آنها را کنار بگذارید، ممکن است بفرمائید موضع جبهه شما در مورد مسئله افغانستان و حضور نظامی شوروی

قیمت ها به مرز خطر ناکی رسیده است

قیمت حبوبات ۳ برابر شده.

* یک کارگر: برای من خوردن آبگوشت، بالوبیای کیلویی ۱۵ تومان ممکن نیست. * یک زن خانه دار: دیگر نمیتوانم به بچه هایم عدسی هم بدهم، چون کیلویی ۸ تومان است.

در صفحه ۲

چگونه سوسیال دموکراسی انقلابی ایران پایه گذاری شد



در این تصویر ستارخان (در وسط) با ارزنیکیدزه (سمت راست) دیده میشود

بمناسبت شصتمین سالگرد تاسیس حزب کمونیست ایران (مردم) مفید دانست که، ولو باختصار، تاریخچه ای از حزب کمونیست ایران را که از تاریخ جنبش ضد امپریالیستی، دموکراتیک و خلقی ایران معاصر جدا نیست، طی چند مقاله به اطلاع خوانندگان گرامی برساند. باشد که از این تاریخ پرافتخار و پرغراز و نشیب و برای تثبیت، تحکیم و گسترش دستاوردهای انقلاب پیروزمان ضد امپریالیستی، دموکراتیک و خلقی ایران درهای لازم گرفته شود. صفحات ۳۰۳

دهقانان زمین می خواهند، مالکان تشنج و آشوب

کارگران گرمابه ها: در تاریکی می آئیم، در تاریکی میرسیم، کسی به ما اعتنایی ندارد

نقدی بر فیلم «تور» و نگاهی به فیلم «نهضت مقاومت»

مسائل دهقانی - صفحه ۵ مسائل کارگری - صفحه ۴ مسائل هنری - صفحه ۸

برای مبارزه با امپریالیسم امریکایی، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

اجرای فوری اصل قانون اساسی در مورد ملی کردن بازرگانی خارجی و ایجاد بخش دولتی در توزیع فرآورده‌های مورد مصرف همگانی، یگانه راه برای کنترل قیمت‌ها و جلوگیری از غارت سرمایه‌داران بزرگ، دلالتان و محتکران است

قیمت حبوبات...

بقیه از صفحه ۱
قیمت حبوبات نیز همانند دیگر مواد مورد نیاز هر روزه مردم، نسبت به سال گذشته ترقی کرده است. حبوبات در یکسال گذشته بین ۲۲ تا ۱۲۰ درصد گران شده است. لوبیا چیتی، که در سال گذشته کیلویی ۸ تومان عرضه می‌شد، امسال به قیمت ۱۵ تومان در دست مصرف کننده قرار می‌گیرد، یعنی ۸۷ درصد نسبت به یکسال اخیر گرانتر شده است. قیمت لوبیا سفید، که در سال گذشته کیلویی ۷ تومان بود، امسال به کیلویی ۱۱ تومان رسیده است. باین حساب آش و آبگوشت که حبوبات از مواد اصلی آن است، و غذای عمده زحمتکشان را تشکیل می‌دهد، باید از لیست غذای آنها یا حداقل تقویم یا بحدافل تقلیل یابد، زیرا آنها از پس چشم بلبلی کیلویی ۱۴ تومان و لوبیا چیتی کیلویی ۱۵ تومان بر نمی‌آیند.

بررسی خبرنگاران نامه «مردم» نشان می‌دهد: حبوبات گامی تا سه برابر نسبت به سال گذشته افزایش قیمت داشته است. لوبیا قرمز خارجی، که در سال گذشته کیلویی ۵ تومان بفروش می‌رفت امسال به قیمت کیلویی ۱۰ تومان در دسترس مصرف کننده قرار می‌گیرد، یعنی ۱۰۰ درصد گرانتر از سال گذشته است. مصرف گرانتر از سال گذشته است. لوبیا قرمز ایرانی هم تا ۵۵ درصد گرانتر از یکسال اخیر شده است. لوبیا قرمز ایرانی، که سال گذشته درمنازه کیلویی ۹ تومان فروخته می‌شد، امسال به کیلویی ۱۴ تومان رسیده است.

خوردن آبگوشت هم صرف نمی‌کند!

احمد داوری تراشکار، با مامی سه هزار تومان در آمد، در این مورد می‌گوید:

«آبگوشتی که در سال گذشته برای ما بیشتر از ۱۰ - ۹ تومان خرج بر نمی‌داشت، امسال برای تهیه آن باید حدود ۳۰ - ۴۰ تومان چش بارش کنیم، زیرا نخود و لوبیا نسبت به سال گذشته سه چهارتومان گرانتر شده است. برای

من کاری که حقوقم برخیزم غلبه نمی‌کند، خوردن آبگوشت با گوشت کیلویی ۵۰ تومان و حبوبات کیلویی ۱۵ تومان صرف نمی‌کند.»

رهبری، فروشنده، افزایش قیمت حبوبات را باین شرح تصویر می‌کند:

«حبوبات به غیر از لوبیا قرمز، آنها از نوع خارجی، بقیه در داخل کشور تهیه و عرضه می‌شود. و با اینکه جزو کالاهای کمپاب در بازار هم نیست، ولی نسبت به یکسال اخیر تا ۱۰۰ درصد گرانتر شده است. بطور نمونه ماش، که در سال گذشته کیلویی ۵ تومان فروخته شد امسال به قیمت ۱۱ تومان رسیده است. یا لوبیا چیتی، که در سال گذشته کیلویی ۸ تومان در دسترس مشتری قرار می‌گرفت، امسال با قیمت کیلویی ۱۵ تومان در بازار عرضه می‌شود.»

از زبان فریده حبیبی، خانه‌دار، ۶۱ ساله، بخش دیگری از

مشکل زحمتکشان را در ارتباط با حبوبات بخوانید:

«فلس سال گذشته کیلویی ۶ - ۵ تومان قیمت داشت، در حالی که امسال به قیمت ۸ تومان رسیده است. این در حالی است که حقوق شوهرم، که کارمند ساده دولت است، به همان صورت باقی مانده است. من در گذشته بیشتر مواقع شام به بچه‌هایم جنسی پخته می‌دادم چون هم برای تقویت حافظه خوب است و هم ساده تمام می‌شود، ولی حالا با این افزایش قیمت‌ها، که روز بروز هم بیشتر می‌شود، دیگر نمی‌توانم هفته‌ای یکبار پول عدس کیلویی ۸ تومان را بدهم، زیرا حقوق ماهی سه هزار تومان، با گریه خانه ماهی ۱۵۰۰ تومان در ماه، ۸ - ۷ سرعالمه، واقعا کفاف این زندگی باین قیمت‌ها را نمی‌کند.»

خبرنگاران «نامه مردم» که تهمت‌ها را در محلات زحمتکشان

بررسی کرده‌اند، اضافه می‌کنند: چشم بلبلی و لوبیا سفید و لپیز همانند دیگر حبوبات از گران در امان نمانده‌اند. لپه‌ای که در سال گذشته کیلویی ۶ تومان خریداری می‌شد، امسال به کیلویی ۸ تومان در دسترس مصرف کننده قرار می‌گیرد. همچنین چشم بلبلی نسبت به یکسال اخیر تا ۴۰ درصد گرانتر شده است.

غارت سرمایه‌داران بزرگ

بررسی خبرنگاران نامه «مردم» نشان می‌دهد که قیمت‌های عمده فروش تازمه فروشی در مورد حبوبات تنها کیلویی یک تومان افزایش می‌یابد. از سوی دیگر عرضه حبوبات در بازار کم نشده و انواع حبوبات فراوان است.

زمینه اصلی غارت، یعنی افزایش ۱۲۰ درصدی قیمت حبوبات را باید در عملکرد سرمایه‌داران بزرگ داخلی سراغ کرد.

که بعد از انقلاب سرمایه خود را در زمین‌مواد غذایی بکار انداخته‌اند و بیرحانه به خالی کردن جیب توده‌های مشغولند که برای خوردن یک عدس مجبورند عدس بخورند، یا با نخود و لوبیا برای فرزندان خود آبگوشت فراهم بیاورند. این غارت، علاوه بر لطمه زدن به

نام کالا	قیمت سال گذشته	قیمت امسال	افزایش درصد
لپه	۶۰ ریال	۸۰ ریال	۳۳ درصد
نخود	۷۰	۸۰	۱۴
لوبیا چیتی	۸۰	۱۵۰	۸۷
لوبیا سفید	۷۰	۱۱۰	۵۷
ماش	۵۰	۱۱۰	۱۲۰
لوبیا قرمز (ایرانی)	۹۰	۱۴۰	۵۵
لوبیا قرمز (خارجی)	۵۰	۱۰۰	۱۰۰
چشم بلبلی	۱۰۰	۱۴۰	۴۰
عدس	۶۰	۸۰	۳۳

چرا مطبوعات...

بقیه از صفحه ۱
ایران، اتحاد عمومی را برای رویارویی با خطرات ناگزیر دشمن انقلاب ایران، یعنی امپریالیسم آمریکا، تجهیز کنند و همواره مردم را برای مقابله با سادسیه‌های رنگارنگ او آماده نگه‌دارند.

اما متأسفانه در دوران اخیر کمتر می‌توان عشاری و توجه لازم در مطبوعات کشور، نسبت به خطرات واقعی و جدی شیطان بزرگ امپریالیسم آمریکا مشاهده کرد.

زمانی که امام خمینی می‌گوید: «می‌خواهم که تمام توان خود را برای نجات کشورتان بکاربرید و اسلحه‌های سرد و گرم، یعنی قلم و بیان و مسلسل را از نشانه‌گیری پروری

یکدیگر منحرف و بسوی دشمن انسانیت که در اس...

مطبوعات کشور ما بسادگی در پی وزنی هر نیمه انحرافی، پداندو جلیبی‌شوند و امپریالیسم آمریکا بطور عمده از سفحات مطبوعات ایران محو می‌گردد و توطئه‌های گوناگونی، که توسط این دشمن قسم خورده انقلاب ایران در حال تدارک است، به بوته فراموشی سپرده می‌شود و این در حالی است که در اغلب روزنامه‌ها تاثیرهای درشت به‌خاطر سرافرازی دروغ خبر گزاریهای امپریالیستی در مورد افغانستان اختصاص یافته است.

ما اکنون در شرایطی هستیم که کوچکترین سهل انگاری و عدم هوشیاری صدمات جبران ناپذیری به انقلاب ما خواهد زد. در این شرایط باید مردم را بر ای مقابله با توطئه‌های گوناگون امپریالیسم بس کردگی

سخنان جرج حبش...

بقیه از صفحه ۱
بگذاریم و برای یافتن حداکثر نقاط مشترک در نظریات خود، بدقت جستجو کنیم. بنا بر این باید گفت، ما وجود نیروهای شوروی در افغانستان را جدا از حوادثی که در گذشته اتفاق افتاده نمی‌توانیم بررسی کنیم، زیرا که ما را در جهت اتخاذ مواضع اشتباه هدایت خواهند کرد.

خوب، میدانید که انقلاب افغانستان در سال ۱۹۷۵ توسط نیروهای افغانی مستقل از خارج علیه نظام سرمایه‌داری وابسته اتفاق افتاد.

پس از انقلاب افغانستان، که بدون دخالت نظامی شوروی و کاملاً متکی به نیروهای افغانی صورت گرفت، نیروهای برای مخالفت با این نظام سرپلند کردند و خیلی سریع دیدیم که رژیم پاکستان، که خود دست‌نشانده آمریکا است، از این نیروها استقبال کرد. در نتیجه ما با اعتراض مردم علیه نظام تره‌کم یا حفیظ‌الله امین و کارمل مواجه شدیم، بلکه با نیروهای امپریالیسم آمریکا و پاکستان و وابستگان داخلی خود، مواجه شدیم. و اینجا دخالت نظامی شوروی تنها برای پاسخگویی به امپریالیسم آمریکا بود، که خیلی قبل از دخالت نظامی شوروی وارد افغانستان شده بود.

من بخوبی میدانم و ایمان دارم و حتی در دیدار اخیر خود از شوروی این موضوع را لمس کردم که شوروی تا چه اندازه نسبت به انقلاب اسلامی ایران علاقه دارد و اکنون روی در مقابل یک مسئله بسیار اساسی ایستاده است و آن رهبری امام خمینی و انقلاب ایران است. مخالفان امپریالیسم آمریکا گمان می‌کنند هرگونه تکیه‌سنجی چه در مورد موضع سکو در شورای امنیت و یا مسئله اقلیت‌ها در ایران و اینکه چگونه باید حل شود را، باید در نظر بگیریم ولی باید در چهارچوب کلی حمایت شوروی از ایران باشد که در همه موضوعات سیاسی همیشه نشان می‌دهد. ما در این مورد (مسئله افغانستان) به نتیجه‌ای نخواهیم رسید و بهتر است به این بحث پایان دهیم. مسئله دیگری که باید گفت، این است که شکی نیست که هر رهبری انقلابی باید سعی کند بر نیروی انقلاب خودش تکیه کند تا بتواند استقلال خود را حفظ کند، اما متأسفانه کشما هوارامیک اشتباه بسیار بزرگ مرتکب می‌شود و آن این است که کشما شوروی را در کنار آمریکا قرار می‌دهد و فکر می‌کند او نیز دارای اهداف توسعه‌طلبانه و استثمارگرانه است، ولی باید بیشتر دقت نمود و علمی فکر کرد. شاید با من موافق نباشید، ولی بیشتر دقت کنید شاید به وحدت نظر برسیم.

و بالاخره باید بگویم که اگرچه ما در این موارد با یکدیگر اختلاف نظر فراوان داریم، اما به شما اطمینان می‌دهم که شوروی دوست شما است و از شما حمایت می‌کند. (انقلاب اسلامی، ۳۱ خرداد)

دشمن اصلی...

بقیه از صفحه ۱
مسئولیت و بویژه هر دو تمدن‌داری است که بین اختلاف عمده و یا مخالفت اصولی با اختلاف نظرهای غیرعمده و فرعی یا شخصی و خصوصی، تفاوت نهد و کاری نکند و در روشی در پیش نگیرد که این یکی جای آن یکی را بگیرد. فقط وجود اختلاف، بلکه بروز اختلاف، در آنچه که قبلاً نبوده نیز به یک معنا پدید می‌آید. به آن معنا که پس از طی یک مرحله معین تکامل اجتماعی یا حصول یک ستارود انقلابی، نیروها و شخصیت‌هایی که تا آن لحظه برای رسیدن به اهداف معینی یکران و یکدل بودند، پس از آن مرحله، دیگر در برابر اهداف جدید و یا شیوه‌های جدید رسیدن به هدف، زبان مشترک پیدا نمی‌کنند و برای پیوند راه همدلی را از دست می‌دهند. در این حالت گاه عده‌ای به «مشروطه خودمی» رسند و از راه باز می‌ایستند، در حالی که دیگر رهبران خواهان پیشبرد جامعه و تکامل باز هم بیشتری هستند. پس پدید می‌آید که در این حالات نیز بین همدستان سابق، که همواره اتفاق نظر داشته‌اند، اختلاف نظر بروز می‌کند و دوستانه در این حالات نیز اختلافات حاصله می‌تواند عمده و اصولی باشد، ولی اگر بروز اختلاف بین یاران قدیم بر سر مثلاً مقام یا همکاری باشد، همواره غیر اصولی و فرعی است.

حالیکه انقلاب ما درگیرودار می‌حیاتی و معانی با امپریالیسم بس کردگی امپریالیسم آمریکا است و لحظه، برای کشور ما، لحظه‌ای حساس و سر نوشت‌ساز است، تنها آنکس که اختلاف عمده‌ای که در پیوند با نبرد ما علیه امپریالیسم زائیده

تکامل کشور، درباره مسئله ارضی...

ورشده کشاورزی، در باره مسئله ملی و اقلیت‌ها، درباره صنایع و فرهنگ، درباره مسئله وابستگی و یا اصول سیاست خارجی کشور، درباره آزادیها و حقوق شهروان و اصل احترام به قانون و حقوق مندرجه در قانون اساسی.

مردم حق و انتظار دارند که بدانند هر کسی چه می‌گوید، چه نظر و چه روشهایی دارد؟ همه اینهاست که باید در محققات و علمه قراز گیرد. تنها در روی سندان واقعیات و مسائل حقیقی کشور و در زیر پتک منافع و نظریات و انتظارات طبقات و اقشار مختلف مردم است که معیار اینها معلوم می‌شود. بگذار در این جا از این راه سرخ از ناسره جدا شود، آنچه خود می‌بینند و می‌شنوند و برمی‌گزینند، بکسر می‌شنوند و انقلاب ما رو به سوی تکامل رود و آنچه با دست پیش‌برنده جامعه ما تطابق ندارد، بکنار نهاده شود. اما در راه به سوی تکامل و در این سمت‌گیری بسوی پیشرفت، هر آنچه شایسته زیست است و توان همسویی و پیشروی دارد، بر آنچه که از توطئه و تحریک و براندازی و قدرت طلبی برمی‌آید، علیرغم اختلافات فرعی و شخصی و خصوصی، باید بتوانند برودستی‌ها، هاهوار و انحصار طلبی‌ها و فرصت‌جویی‌ها غلبه کند، باید بتوانند بین اختلاف شخصی و خصوصی و غیر عمده، با عواملی که تمسداً جزو اختلاف و تحریک و توطئه و بدبینی و ترارول ایجاد می‌کنند، تفاوت گذارند. قاطعانه دست رد به سینه این عوامل و وحدت عسسل کلیه نیروها و شخصیتها و سازمانها و گرایش‌هایی که در جهت انقلاب ایران و برای پیشبرد اهداف آن عمل می‌کنند و مدافع جمهوری اسلامی

دشمن اصلی...

شده باشد، باید با قاطعیت و صراحت کشف، افشا و درهم کوبیده شود. اما اگر سایر اختلافات، هر چند اصولی و قابل توجه، موجب تشنج محیط سیاسی و هیاهوی گر کنند، اما در تحت که نبرد با امپریالیسم را تحت الشعاع قرار دهد، نشانه خوبی نیست. عمده شدن این اختلافات بدبھی نیست، هیاهو بی‌ارمون آنها نشانه جو سالم و سازنده نیست، بسود پیشبرد انقلاب نیست، موجب تدارک زمینه عمل برای دشمن است.

در بین تمام نیروهایی که پس از هر مرحله انقلاب توان انقلابی خود را از دست نیندهند و همچنان دشمن مشترک و هدف مشترک دارند، اصل نمی‌تواند بر بزرگ کردن اختلاف درونی قرار گیرد. اصل، تنها تقاضای تأمین وحدت عمل برای رسیدن به هدف مشترک و سرکوب دشمن مشترک است و گرنه در اصالت و صداقت این آن نیرو و شخصیت می‌توان تردید کرد. در این حالت باید اصل بر آن باشد که مورد اختلاف، علت اختلاف، اهمیت اختلاف، دامنه اختلاف، راه حل اختلاف، نظر و پیشنهاد در هر مورد، بطور مشخص برای تمام مردم تشریح و بیان شود و دوستانه و صادقانه، با روشهای کاملاً قانونی و مطابق با روح تحکیم انقلاب، بیان و تشریح شود. مردم ما بار سنگین انقلاب را بدوش کشیده‌اند و باید آن را به‌سر منزل مقصود برسانند. آنها باید بدانند که اختلاف حاصله، شخصی و غیر اصولی است یا اصولی و جدی و اگر اصولی و جدی است، بر سرچیت و طرف‌های مختلف چه می‌گویند، تا اتخاذ تصمیم کنند. چنین روشی البته با سروش گذاشتن و در مخفا زویند کردن و مردم را بی-

پیشنهادها: نامه

آن و زمینه بروز آن را اعلام داریم. درباره کلیه مسائل شخصی و مربوط به دفاع از انقلاب و پیشبرد آن، حفاظت از جمهوری و رشد آن، نظر و تحلیل و پیشنهاد خود را - دقیقاً و مشخصاً در هر مورد و همه موارد - بیان کنیم.

به مردم انقلاب ایران که منحنی بلوغ سیاسی و رشد مدنی هستند و می‌توانند با دوری درست، موضوع صحیح را برگزینند، اعتماد کنیم.

هرگونه دسیسه‌بازی و برنامہ ریزی مخفی و توطئه‌گری‌های محرف کننده، نه فقط زمینه ساز

پیشنهادها: نامه

اقدامات امپریالیستی است، که توهین به مردم و قدرت قضاوت آنها نیز هست.

برای مردم صداقت سیاسی، همچون اصولیت انقلابی، حائز اهمیت درجه اول است. برای کشور و انقلاب، تشخیص دشمن اصلی و مسائل اصولی، از مخالفت‌های غیر عمده و مسائل فرعی، متمركز کردن تمام آتش‌ها به سوی امپریالیسم آمریکا حیاتی و سرنوشت ساز است.

پیشنهادها: نامه

«مردم» بزبان کردی
هموطنان کرد کرد مقیم تهران می‌توانند نامه «مردم» بزبان کردی را، که روزهای یکشنبه منتشر می‌شود، از کیوسکهای مختلف تهران دریافت دارند.

پیشنهادها: نامه

پیشنهادها: نامه
پیشنهادها: نامه

به مناسبت شصتمین سالگرد تأسیس حزب کمونیست ایران

چگونه سوسیال دموکراسی انقلابی ایران پایه گذاری شد

سوسیال دموکراسی انقلابی ایران (اجتماعیون عامیون) از نخستین مراحل جنبشی اش، در ارتباط عمیق ذاتی با انترناسیونالیسم پرولتری بوجود آمد...

است. لیکن در صورت تدارک اساسی تر این کار

می توان این راه را مورد استفاده قرار داد. (همانجا، صفحه ۱۵۴) سپس او متذکر میشود که به کمک سازمانی که در ایران کسبی و ارتباطی دارد، امیدوار است...

روشنفکری ایران، چنان که دیدیم، صد سال پیش آغاز کرده بودند. این در حقیقت نخستین آشنائی کلی و فقط زمینه مقدماتی برای جنبش سوسیال دموکراسی انقلابی در کشور بود...

از اوایل قرن ۱۹ - اوایل قرن ۲۰ (اواخر دهه ۸ - اوایل دهه ۹ قرن ۱۳ هجری) مرکز جنبش جهانی سوسیال دموکراسی انقلابی از غرب به روسیه منتقل می شد...

از اسناد موجود (نامه هایی که بعدها سوسیال دموکراسی ایران تیریز به کائوتسکی و پله خائف نوشته اند، خاطرات حیدرخان، نریمانف و غیره) چنین برمی آید...

حیدر عمو اوغلی سپس در تهران نیز به تشکیل حوزه های «اجتماعیون عامیون» می پردازد. کمی بعد در کیلان (رشت) و بعدها در سایر نقاط ایران نیز سازمان های اجتماعیون عامیون بوجود می آیند...

سوسیالیسم و مین پرسی در صفحات زندگی سوسیالیستی (منظور روزنامه سوسیالیستی چسکایا - ژیزرن شماره ۱۸، مورخه ۲ ژوئیه ۱۹۰۵ - ۲۹ تیر ۱۲۸۴) است و سپس در شماره دوم «روزنامه سوسیال دموکرات» (منظور «دونیک سوسیال دموکرات» است، که پله خائف منتشر می کرد) مطالعه کردیم...

اسناد موجود، این عقیده مشترک اکثر قریب به اتفاق نویسندگان و محققین ایرانی و خاورشناسان خارجی را تأیید می کند که، سال های ۱۲۸۳-۱۲۸۴، آغاز روند تاریخی تکوین سوسیال دموکراسی انقلابی در ایران و پیدایش اولین سازمان های اجتماعیون عامیون است...

شرایط تاریخی: همه رویدادهای سال های آخر دهه ۸۰ - اول دهه ۹۰ (قرن ۱۳ هجری) جامعه ایران را بسوی یک انقلاب اجتماعی سوق میداد...

روزنامه ناصری، چاپ تبریز، ۲۱ رجب ۱۳۱۳ (۱۷ دی ۱۲۷۷) در سرمقاله ای تحت عنوان «عقالت اغنیا در حالت فقر» پس از توضیح وضع سخت زندگی مردم نوشت:

روزنامه در مقالات مفصل خود راه چاره را در «تشکیل کمیته های»، «کشیدن راه آهن»، «تأسیس بانک و تکمیل اعتبارات مملکتی»، «ایجاد کارخانجات»، «تحصیل علوم و فنون» از قبیل «جغرافیا و حساب و هندسه و هیات و طبابت و هر گونه معارف فنی» میداند...

روزنامه حبیب المصنوع، چاپ کلکته، در شماره ۴ ژوئن ۱۹۰۰ (خرداد ۱۲۷۹) در سلسله مقالاتیکه تحت عنوان «اساس ترقی دولت و ملت» درج میکرد، نوشت:

«استبداد است که دولت شش هزار ساله ایران را اینگونه ناتوان نموده... عمر استبداد بی پایان آمده و پایندگی اش به انتها رسیده... هر قدر متعددانه نگاهداری رسم استبداد جسد و کوشش شود، به همان پایه زودتر اجل استبداد را درنگ خواهد نمود»...

در این دو قطعه، خواسته های عمده اقتصادی، اجتماعی و سیاسی طبقه نوریست سرمایه دار ایران خلاصه شده است...

در این دو قطعه، خواسته های عمده اقتصادی، اجتماعی و سیاسی طبقه نوریست سرمایه دار ایران خلاصه شده است...

در این دو قطعه، خواسته های عمده اقتصادی، اجتماعی و سیاسی طبقه نوریست سرمایه دار ایران خلاصه شده است...

در این دو قطعه، خواسته های عمده اقتصادی، اجتماعی و سیاسی طبقه نوریست سرمایه دار ایران خلاصه شده است...

در این دو قطعه، خواسته های عمده اقتصادی، اجتماعی و سیاسی طبقه نوریست سرمایه دار ایران خلاصه شده است...

در این دو قطعه، خواسته های عمده اقتصادی، اجتماعی و سیاسی طبقه نوریست سرمایه دار ایران خلاصه شده است...

تأمین کار برای کارگران پیکار، یکی از نخستین وظایف دولت انقلاب است

مسائل کارگری

کارگران گرمابه‌ها: در تاریکی می‌آئیم و در تاریکی می‌روئیم، کسی به ما اعتنائی ندارد.



کارگران گرمابه‌ها از محروم‌ترین زحمتکشان ایران بشمار می‌روند.

بیماری‌رما تیسیم کارگران گرمابه‌ها را آزار میدهد. چرا باید تا ۶۰ سالتگی جان بکنیم؟

کارگران گرمابه‌ها از محروم‌ترین زحمتکشان ایران بشمار می‌روند. عده‌آنان تنها در تهران به چندین هزار نفر می‌رسد. اینان خروس‌خوان صحر، تن‌بهرمقشان را به رطوبت و سنگینی حمام میکشند و شب، دیروقت، با تن و جسان کوفته به کتبی پناه می‌برند. کارگران گرمابه‌ها کارهای مختلفی از جمله، لباس‌داری، آبتکاری، کسه کشی و سایر کارها را انجام می‌دهند. اما دردهایشان کما بیش مشترک است. زحمت زیاد و ساعت کار نامعلوم، حقوق کم و نداشتن بیمه، ابتلا به دردهای استخوانی و...

برخی از کارگران حمام‌ها مزدشان را از صاحب گرمابه میگیرند و برخی دیگر از مشتری، البته از پولی که مشتری بدهد، سهمی هم به صاحب گرمابه تعلق می‌گیرد. اینان بیشتر «کسه کش» هستند. بسیاری از کارگران گرمابه قبال کار تولیدی داشته‌اند، در مزرعه‌ای به کشت و کار مشغول بوده‌اند، در کارخانه‌ای چرخ تولید را برکت درمآوردند، و یا اینکه هر از گاهی شغلی پیش کرده‌اند، و اینک به علتی که غالباً به عدم بهره‌دهی کارکنان و از دست دادن زمین یا اخراج بی‌دلیل از کارخانه و محل کار سابق و... بر می‌گردد، و خلاصه زیر فشار بدنی و کمرستی، جوانی و نیروی سازندگی خود را در کاری هدر می‌دهند که از آن دل‌خوشی ندارند، و البته به‌ریشان درآمدی هم ندارد.

کریهی، یکی از کارگران گرمابه، میگوید: «با کار طاقت‌فرسا از ۵ صبح تا ۸ شب تقریباً ۸-۹ تومان بدستم می‌رسد، و آنهم از پولی است که مشتری بدهد. کارم زیاد است و دستمزدم به جالی نمی‌رسد. در اینکار از حق اولاد و سودویزه و غیر ذلک هم خبری نیست. رما تیسیم هم که جای خود دارد».

غلامرضا سیدی ۳۷ ساله از ۷ صبح تا ۹ شب کار میکند و ۵۸/۵ تومان می‌گیرد. منتهای یکروز و در سال ۱۵ روز مرخصی دارد. شکایت دارد که:

«با این کار زیاد، وقتی برای دنبال کردن مسائل سندیکایی ندارم».

افزایش ساعات کار قانونی راه آنها نمیدهند. از بیمه دل‌خوشی ندارند و البته حقوقش هم که به چیزی نمی‌رسد. از شدت یاس میگوید:

«کارگر حمام بدبخت‌ترین کارگر دنیاست. در تاریکی می‌آئیم و در تاریکی می‌روئیم، کسی به ما اعتنائی ندارد».

اربعق معترض است که:

«چرا باید تا ۶۰ سالتگی جان بکنیم؟ سن بازنشستگی باید کمتر باشد».

او نیز چون دیگر همکارانش کم‌دردد... دارد. در گفتگو با کارگران گرمابه‌ها، بسیاری از آنان شکایت دارند که با وجود روزی ۱۴ ساعت کار، دستمزدشان از حداقل قانونی که البته برای ۸ ساعت کار معین شده کمتر است. حقوق عده‌ای از آنان راه بهانه اینکه انعام می‌گیرند، کسر میکنند. مثلاً کارگری با ۱۲ سال سابقه کار، از ساعت ۶ صبح تا ۸ شب، فقط ۵ تومان می‌گرفت. به علاوه تقریباً همه کارگران گرمابه‌ها می‌گویند که دنبال سندیکایی هستند. زیرا وقتی برای ابتکار ندارند. هیچ‌طور همه آنان می‌گویند که اگر به علتی مثلا بیماری نتوانند سرکار حاضر شوند، آنروز حقوقی ندارند. آنها از نداشتن حداقل تأمین انسانی و هزینه‌گزار مواد مصرفی و اجاره‌خانه شکایت دارند. کارگران گرمابه‌ها میخواهند: ۱- ساعات کار به ۸ ساعت در روز تقلیل یابد و

معدنکاران معادن ذغال سنگ هیو:

هیو، روستایی است در نزدیکی آبیگ، که خود بخشی است از شهرستان قزوین. کوه‌های اطراف این روستا دارای منابع سرشار زغال‌سنگ است که کار استخراج آنها به زمانهای دور می‌رسد. چه بسیار آریاییانی که از آگذاری و با اجاره دادن زمینهای این ناحیه سود سرشاری به جیب زدند، و چه بسیار سرمایه‌دارانی که در ادامه غارتگری آریاییان به استعمار و حثانۀ کارگران شریف پرداختند و از این طریق ثروت‌های هنگفتی بدست آوردند. چه خوب میگفت آن معدنچی پیر که:

«به اندازه تمام این کوه‌ها پول از اینجا بیرون رفت و ماهوز کارگریم».

در ازای تولید اینهمه ثروت، چه چیزی نصیب تولید کنندگان آن، یعنی کارگران زحمتکش گشت؟ انواع محرومیتها، فقر و فرسودگی زودرس، اینها بود پاداش سرمایه‌داران به معدنکاران.

در هیو معادن بزرگ و کوچک زیادی وجود دارد، که همگی آنها خصوصی هستند. بیشتر این معادن یا موقتاً تعطیلند و یا اصلاً متروکند. تنها ۳ معدن، که دربرگیرندۀ ۳۰ معدنچی است، و یک کارگاه کلسازی دایر است و کار در آنها جریان دارد.

کارگران این معادن راز و ستاین خود هیو، که به آن‌ها بیجان سخن می‌گویند، تشکیل میدهند. سالها کار سوانفرسا در معادن بر روی بیکر که هیچگونه بهداشت و ایمنی در آن‌ها وجود ندارد، و از طرف دیگر محروم بودن از ابتدائی‌ترین امکانات زندگی، این کارگران را به پیری زودرس دچار ساخته‌است.

با یکی از این کارگران که حمل و نقل ذغال از معدن به خارج را بر عهده دارد، به گفتگو می‌نشینیم. او میگوید:

«سابقاً تصاب ده بودم، اما بعدها این کار راول کردم و فکر میکردم که با زور بازویی که دارم، میتوانم از راه معدنکاری پول پوله‌ای جمع کنم، اما اشتباه میکردم».

معدنکاران فاقد چکمه، کلاه ایمنی، ماسک، لباس کار، چراهای ایمنی و... هستند.

توتل‌های معادن هیچ حفاظ ایمنی ندارند. حتی چوب‌بستی در کار نیست. هر لحظه امکان ریزش هست.

مزایای قانونی در کار نیست. موازین بهداشتی مطلقاً رعایت نمیشود و معدنکاران به بیماریهای گوناگون، از جمله بیماریهای تنفسی خطرناک مانند سیلیکوز مبتلا میشوند.

تمام سروروش سیاه است. در اثر خشکی مغز به واکن تکیه دار، از دستزد و چگونگی کارشان پرسیدم، پاسخ داد: «چندتالی از ما کنتراتی کار میکنیم و بقیه نیز روزمزد هستند. روزمزدها روزی ۷-۸ تومان میگیرند و کنتراتی‌ها هم به اندازه کارشان، مثلاً برای هر ۱۰۰ تن ذغال سنگ و یا «باطله» (منظور خاک و سنگ ببردند) ۸ تومن میگیریم».

انسان تا در این معادن کار نکرده باشد، نمیتواند عبق رنجی را که از این کار نصیب معدنکار میشود، حس کند. ۸ تومن در ازای حمل یک واگن پر در طول مسیر ۸۰۰ متری توتل! توتل‌هایی که به علت کمی وسعت، انسان مجبور است دائماً خمیده راه برود. توتل‌هایی که به علت نبودن چوب‌بستی هر آن اسکان، ریزش دارد. تاکنون ۴ تن از معدنکاران «باطله» (منظور خاک و سنگ ببردند) ۸ تومن میگیریم».

میزان استخراج در هر یک از ۳ معدن ناحیه هیو، در بالاترین حدش روزانه در حدود ۲۰ تن است. این ذغال سنگها بسته به نوع جنسشان دارای قیمت‌های مختلف و مصارف گوناگون هستند. مثلاً:

ذغال سنگ معمولی که مورد استفاده کوره‌ریخته‌خانه هاست، تنی ۱۲۰۰ ریال بفروشد. میسرند و ذغال سنگ مرغوب برای ساختن کتک تنی ۸۰۰۰ ریال و سرانجام خود کتک برای کارخانه‌های قند و ریخته‌گری تنی ۱۲۰۰۰ ریال بفروشد.

فستما باید یادآوری کرد که کار در گرمای زیاد داخل کارگاه کتک سزی، در حالیکه محیط آبیانه از دود ذغال است، کار سخت فوق‌العاده مشکل و طاقت فرسا. زحمتکشانی که در این کارگاه کار میکنند، به علت فقدان بهداشت به بیماریهای گوناگون، از جمله بیماریهای تنفسی مانند سیلیکوز مبتلا هستند. در معادن هیو، علاوه بر نداشتن تأمین جانی، از تأمین شغلی و حقوق مربوط به قوانین کار

روزگاری به سیاهی ذغال

نیز خبری نیست. در این زمینه بایکی از معدنچیان پیر، که ۲۰ سال از عمرش را در این راه از دست داده، به گفتگو پرداختیم. او با انصوب عمیق گفت:

«غیر از چند روز مزد هیچی دیگر به ما نمیدن. بیمه که نیستیم، تعطیلی هم ندارند، اگر یک روز راسرکار نیائیم از مزد خبری نیست».

در این صورت براحتی میتوان حدس زد که از حق اولاد و مزایای دیگر صحبتی نمی‌تواند در میان باشد. معدنچی پیر سرفه کنان آداه داد:

«سالها پیش بود که ما موری نیدانم از وزارت کار بود و با اجاره‌های دیگر، به اینجا آمد و متوالی کرد و رفت. قبل از آمدن ما مهور، صاحب معدن به ما گفته بود که اگر از شما سؤال کردند بگوئید روزی ۳ تومن مزد میگیریم و راضی هستیم. البته بعدها فهمیدیم که ما موری صاحب معدن ساخته بود تا پول بیه ندهد».

از مشکلات معدنچیان که بگذریم، می‌رسیم به کمبود چشمگیری دینامیت در معادن این ناحیه. علت کمبود دینامیت لافل برای ما ناشخص است، زیرا مسئولین امور معدنی در صنایع و معادن موظف به تأمین مواد منفجره لازم برای معادن دارای پروانه هستند. حال یا این معادن فاقد پروانه‌اند و یا دلایل دیگری در میان است. فستما بگوید که معادن معدنچیان این ناحیه، به صرف دولت است که کار اکتشاف و بهره‌برداری معادن فعلی و معدنی را که احتمالاً در آینده بوجود خواهند آمد، بهمه بگیرد. تا از این طریق به تأمین سوخت مورد نیاز واحدهای صنعتی کمک کرده باشد.

برجست پس از انقلاب بزرگ میباشان، که اما قضیتهای بحق آنرا انقلاب مستغنی، ناید، امیدی تازه در دل این زحمتکشان پدیدار گشت. بر مسئولین امر است تا در رفع ستم از معدنکاران محروم سراسر ایران، خواستههای آنان را برآورده سازند.

اقدامات ضد کارگری مدیر عامل کارخانه نان قدس رضوی به سود انقلاب نیست

قانون شکنی‌ها و برخورد‌های ضد کارگری مدیر عامل مخالفان، تأمین جانی ندارند. جالب اینجاست که شخص مدیر عامل برای لاپوشانی اعمال خود به کارگران وعده داد که برای تصفیه عناصر معترض درخواست هیئت پاکسازی از آستانه خواهد کرد. کارفرما تصمیم دارد که افراد معترض را تصفیه و از کارخانه اخراج کند، و نیز آنها را بعنوان افراد اخلاقاً تحویل مقامات مسئول دهد.

کارگران از مقامات مسئول میخواهند که جلو خودسریهای مدیر عامل را بگیرند تا پیش از این باعث آذیت و آزار کارگران آگاه کارخانه نشود. امروز دیگر بر هیچکس پوشیده نیست که دست‌های تنبیه‌آمیز بسیاری از کارفرمایان، در جهت تشدید ناراضی‌ها، با تشدید تخم بدبینی، تفاق و یاس در میان کارگران است. این سیاست است که در بهترین حالت از تنگ‌نظری و منفعت‌طلبی شخصی مایه می‌گیرد، و خواه ناخواه آب در آسیاب دشمنان انقلاب می‌ریزد.

بره‌مزدن جو اتحاد و اتفاق در واحدهای تولیدی، از طرف هر کس و هر گروه که باشد، در راستای انقلاب نیست، در جهت سرکوب نیروهای اصلی انقلاب و تقویت فضای مسموم تفرقه‌است. مسئولین امر حق ندارند به مسئله مدیریت کم بها دهند و پیش از آن، بر مشکلات واقعی چشم‌پوشی نکنند. این مشکلات را منحل نیستند. کافی است به خواسته‌های کارگران، که در زمینه منصفی و رفاهی در بسیاری از موارد حتی در چارچوب بسیار محدود و ناقص قانون کار طاقت‌فرسای نیز دستیابی به آن عملی و ممکن است، عنایت کنند، امر پاکسازی را بسود انقلاب بیکسری کنند و با تقویت نهاد های انقلابی، از جمله شوراهای و مشارکت دادن آنان در اداره واحدها، از نیروی خلاصه زحمتکشان در جهت رفع نارسایی تأمین مواد و مصالح کمیاب، نهایت استفاده را بعمل آورند.

عنوان پاداش به عناصر تحت فرمان خویش پرداخت کرده است در کارخانه بخش شد. این اطلاعیه باعث کنجکاری کارگران و در نتیجه باعث تشنج در میان کارگران شد. کارگران می‌گفتند: «چرا مدیر عامل باید این مبلغ را از دسترنج کارگر بپوشاند؟ معلوم الحال طرفدار خود پرداخت کند».

روز بعد، طی اطلاعیه دیگری پیش از آنکه مدیر عامل گرفته بودند، معرفی شدند. در پی این اطلاعیه، پس از دو روز، یکی از کارکنان قسمت حسابداری به اتهام بخش اطلاعیه افشاگرانه، بدستور کتبی مدیر عامل اخراج شد! کارگران پس از اطلاع از جریان اخراج وی، به اعتراض برخاستند، طرفداران مدیر عامل هم در جهت منافع وی، به دوستی میان کارگران دامن می‌زدند. روز بعد طرفداران مدیر عامل برای پشتیبانی از او بر این معترضین خط و نشان کشیدند و بنحوی بیکی در میان کارگران به نفع مدیر عامل تبلیغ کردند.

شخص مدیر عامل نیز همان روز پشت میز رفت و قرار گرفت که کارگران را یاد توین و ناسزا، تهمت و افترا گرفت. او با تبییغ بعضی از کارگران علیه افسر اد معترضی، که فقط برای اعتراض به اعمال مدیر عامل، درمورد اخراج یوروی و بدون دلیل و سوء استفاده‌های او جمع شده بودند، کارگران معترضی را در مقابل دیگران قرار داد. در نتیجه این تحریکات زودخورد میان کارگران بالا گرفت. در حال حاضر آنها که با خودسری‌ها،

وقت خواستند که برای تأمین خواسته‌های شروع و برحق آنان از قبیل تأمین مسکن و غیره اقدام کند. متأسفانه این خواسته‌ها جامه عمل نپوشید و مدیر عامل وقت مجبور به استعفا شد. آستان قدس سپس شخص دیگری را به سمت مدیر عامل جدید کارخانه منصوب کرد.

پس از چندی، بر اثر سعی و کوشش کارگران، شورای کارخانه تشکیل شد. شورای مزبور برای پیشرفت امور رفاهی کارکنان و دیگر امور مربوطه، در شروع کار، ولی مدیر عامل کارخانه به عنوان رئیس مختلف سعی کرد در کارهای شورا اختلال کند. وی به پنهان‌های گوناگون مانع اجرای برنامه‌های اصولی شورا می‌شد، و دائماً شورا را تحت فشار قرار میداد و در کارخانه تخم تفاق می‌پراکند.

گفتنی است که مدیر عامل برای اینکه آزادی عمل بیشتری برای انجام مقاصد خویش داشته باشد، از جمله در یک سخنرانی که علیه شورا ایراد کرد، محبوبیت کاذبی که در بین برخی از کارگران ناآگاه دست آورد و شورا را منحل کرد. اکنون با گذشت چند ماه از انحلال شورا، مدیر عامل پیوسته سعی در سرکوب کارگران مبارز و اخراج افراد معترض دارد. از جمله این موارد می‌توان ماجرای اولی خرداد را شاهد گرفت. در این روز یک اطلاعیه افشاگرانه مبنی بر اینکه مدیر عامل برای سرکوب کارگران مبارز میبانی به

برای ساعت کار بیشتر اضافه کار پرداخت شود، ۲- حداقل قانونی حقوق و نیز مزایای از قبیل حق اولاد و خواربار و... در مورد آنان رعایت شود، ۳- چنانچه کارگری به علت بیماری یا گرفتاری‌های نظیر آن نتوانست در محل کار خود حاضر شود، حقوق وی پرداخت شود، ۴- دولت باید به وضع مسکن، مبارزه با گرانی و نظارت قانونی و رسیدگی به خواسته‌های برحق

کارخانه نان قدسی رضوی مشهد، چندسال قبل تاسیس شد. این کارخانه، که قبلاً مواد غذایی تولید میکرد، به سرمایه چند نفر به اتفاق سهامدار اصلی، یعنی آستان قدس و با سرمایه ۴ میلیون ریال ایجاد و در حال حاضر دارای ۲۸۰ نفر پرسنل است.

به علت سیاست اقتصادی نادرست و اداره غلط کارخانه توسط مدیران وابسته در گذشته، از جمله استخدام بی رویه از یکسو و رکود تولید از سوی دیگر، وضع فعلی کارخانه و آینده کارکنان آن نامعلوم است. این کارخانه پیش از انقلاب با فروش نان تولیدی خود، از طریق قراردادهای در زمینه تغذیه رایگان، مدارس داشت، میزبونی تومان درآمد داشت. این پول توسط مدیران وابسته قبلی و «ولیان» استنادار قرار می‌خورد، که ناظر مستقیم کارخانه نان رضوی بود، حیف و میل می‌شد. قسمتی نیز به آستان قدس پرداخت می‌شد و بخش ناچیز آن به حقوق کارگران زحمتکش اختصاص می‌یافت. در نتیجه کارگران تحت فشار و استعمار شدید مدیران وابسته و شخص ولیان قرار داشتند.

پس از پیروزی انقلاب، تغییرات پیش‌بینی شده‌ای بوقوع پیوست که سهم از همه لغو قرارداد تغذیه رایگان بود. پیش از این کتیم که درآمد عمده شرکت از این طریق تأمین میشد، در نتیجه لغو این طرح، محصولات کارخانه به حداقل رسید. از آن پس کارخانه، از جهت تأمین درآمد و پرداخت حقوق کارکنان، ناگزیر هر ماه مبلغی از آستان قدس (که در حقیقت صاحب عمده سهام این کارخانه است)، دریافت می‌کند.

سال گذشته، کارگران از مدیر عامل برای ساعت کار بیشتر اضافه کار پرداخت شود، ۲- حداقل قانونی حقوق و نیز مزایای از قبیل حق اولاد و خواربار و... در مورد آنان رعایت شود، ۳- چنانچه کارگری به علت بیماری یا گرفتاری‌های نظیر آن نتوانست در محل کار خود حاضر شود، حقوق وی پرداخت شود، ۴- دولت باید به وضع مسکن، مبارزه با گرانی و نظارت قانونی و رسیدگی به خواسته‌های برحق

تشکل کارگران در انجمن‌های صنفی (سندیکایی) ضرورت انقلاب ایران است

اخبار هفتگی

دهقانان زمین می خواهند، مالکان تشنج و آشوب!

در روستاهای حاجی آباد و خانی آباد در منطقه کامیروز، مالک بزرگ، علیرغم داشتن متجاوز از ۵۰۰ هکتار زمین، به ۲۰۰ هکتار زمین متعلق به ۳۱۳ نفر دهقانان کم زمین تجاوز کرده است.

این مالک با بی‌شرمی تمام دهقانان را حتی بسا اسلحه تهدید می‌کند و میکوشد تا مقاومت آنان را در برابر تجاوزات خود درهم شکند. یکبار دهقانان ۳ قیف از تفکهای مالک بزرگ و دستیارانش را ضبط کردند و به پاسداران تحویل دادند، ولی در برابر تعجب دهقانان سلاحها را مجدداً به مالک باز بردانده‌اند. در نتیجه تحریکات توسط آیین مالک و اعمال نفوذ او، دهقانان شدیداً به‌خشم آمده‌اند رمی‌نویسند، چنانچه حتی آنان به آنها داده نشود، زمینها را میل به‌قدر خود و یا به‌قرمالک بزرگ خواهند ساخت.

این واقعه نشان می‌دهد که برخلاف شیوه انقلابی اکثر افراد متعهد سپاه پاسداران، در اینجا مالک بزرگ موفق شده است که متأسفانه عملکردی منفی و در خلاف راستای انقلاب، یعنی به نفع مالکان بزرگ در بین برخی اعضاء پاسدار بوجود آورد. وظیفه مقامات مسئول دولتی و نهادهای اسبق انقلابی است که بدون کوچکترین تمایل و سرعاً قانون را اجرا و زمین را به دهقانان نهی- دست واگذار کنند و شر مالکان بزرگ را از سر دهقانان و از انضاد کشور بکنند.

مشکل آب آشامیدنی اهالی خسروآباد

خسروآباد دهی است در ۱۵ کیلومتری اسلام آباد، اهالی این روستا از نظر آب آشامیدنی دچار کمبود هستند. مردم این روستا تنها می‌توانند از آب جاری کوچکی و از چاه‌هایی که خود کندند و بیش از یکی دو ماه از سال آب ندارند، استفاده کنند. بنابراین اهالی ده می‌بجویند که با تحمل مخارج و زحمات زیادی در بقیه سال آب آشامیدن

عباس دره‌ای‌ها خواستار اجرای اصلاحات ارضی هستند

روستای «عباس دره» از توابع بخش «ارشق» با ۷۰ خانوار مسیقدر جمعیت در ۹۰ کیلومتری مشکین شهر واقع شده است. اکثر دهقانان بر زمین و کم زمین هستند. زمینهای این روستا بسیار حاصلخیز است، ولی به علت کمبود آب، بیشتر این زمینها بصورت دیم کشته میشود. کمبود وسائل کشاورزی و عدم دسترسی روستائیان به بذر، کود و غیره باعث شده است که مشکلات بیشتری در امر کشاورزی ایجاد گردد. نوسازی چاه، حمام، آب‌ولکشی، برق، درمانگاه و مدرسه، از خواستهای اساسی روستائیان است. پیش از این در ده اهالی بیسوادند، دبستانی که در این روستا وجود دارد، کلی است و توسط خود اهالی ساخته شده است. اخیراً اهالی اقدام به کندن چاه کرده‌اند، ولی به علت وضع نامساعد مالی، برای خرید موتور و سایر وسائل لازم برای کشتن آب از چاه، همچنان نیمه‌تمام و بدون استفاده مانده است. از کارهای دستنی از روستا جابجایی و قالی‌بافی است و تقریباً تمام بچه‌های خردسال پیشرفت‌های خود را به جای پشت میزهای مدرسه در کارگاههای قالی‌بافی میگذرانند. نبودن وسائل رفاهی، خوردن خوراک مناسب و کارهای طاقت‌فرسا باعث مبتل شدن آنها به امراض گوناگون میشود. خواستهای اساسی روستای عباس دره عبارتند از: ۱- اجرای فوری و سریع اصلاحات ارضی، ۲- منبع آب آشامیدنی و آبیاری، ۳- پرداخت وام بدون بهره دراز مدت برای روستائیان، ۴- تأمین مسائل رفاهی روستائیان، بویژه درمانگاه و مدرسه، ۵- دادن سرمایه برای قالی‌بافی روستا.

پاسخ مسئولین به خواست‌های دهقانان

در شماره ۱۵۴ نامه «مردم»، در تاریخ ۵۸/۱۱/۹، یک‌بخش دهقانان مربوط به مسائل کشاورزی در استان چهارمحال و بختیاری درج گردید. بدنیال درج این‌بخش، یک نامه در ۲/۵ صفحه، با امضاء آقای سیروس افشار، از کارخانه قند چهارمحال به دفتر نامه «مردم» ارسال گردید، که محتوای آن پاسخی به خواست‌های دهقانی خیر مذکور است. ما در اینجا به درج قسمتی از آن نامه می‌پردازیم و امیدواریم که با توجه به نیازهای دهقانان و کشور و با اتخاذ تصمیمات لازم، تقاضای تولید هر چه زودتر برطرف گردد. ۱- کمبود ماشین آلات کشاورزی و گرانی کرایه شخم در مقایسه با سایر استانها مورد تأیید کارخانه با داشتن تعدادی ماشین-آلات کشاورزی در حال جاری بسا تعدادی از چند کارکنان بصورت کشت مکانیزه قرارداد منتهی نموده تا بصورت دینی برای آنها چند کشت نماید. سایر عملیات داشت و برداشت را توسط ماشین-آلات کارخانه راساً بصورت خدماتی انجام دهد و مبلغ دریافتی کارخانه از باب این خدمات مساوی هزینه سوخت و دستمزد در آینده تراکتور می‌شود. منتهی توانایی کارخانه تا ۴۰۰ هکتار می‌باشد که ده درصد از کل قرارداد است که بطور متوسط سالیانه با چندین کارکنان منتهی می‌نماید. ۲- کارخانه از حاکم امکانات خود جهت تهیه آب به زامین چند کارکنان از قبیل کمک در خرید موتور پمپ به افرادی که چاه حفر نموده‌اند و با معرفی افراد واجد شرایط به هنگام اصلاح به جهت اخذ وام به منظور خرید ماشین آلات یا موتور پمپ در امتیاز کشاورزان قرار می‌دهد.



اینست نمای عمومی ده امند و کشتزارهایش

((امند)) و نیازهایش



آبیاری از مشکلات اصلی روستائیان امند است. برای حل این مشکل به آنها یاری کنیم

روستای امند در ۲۰ کیلومتری تبریز قرار دارد. امند در مسیر جاده مرند، ۵ کیلومتر با جاده اصلی فاصله و ۵ خانوار جمعیت دارد. آب مشکل اساسی و عمده دهقانان است. به علت نداشتن آب، اکثر زمین‌های روستا بایر و بدون کشت مانده است. آب روستا بوسیله نهری که کفاف آبیاری روستا را نمیدهد، تأمین می‌شود. اهالی می‌گفتند که این نهر از چهار ده می‌گذرد و گاهی اوقات آب را از روستاهای بالا می‌بندند. هر روز دهشت شب آب، در ماه، سهمیه این روستا است. روستائیان معتقدند که برای حل مسئله آبیاری باید چاه‌های عمیق حفر گردد. در این صورت میتوان زمین‌های زیر کشت را چند برابر کرد.

به علت نداشتن آب و بودجه کافی، اهالی دام‌زبانی ندارند. نگهداری دام فقط برای مصرف خانوادگی است.

صنایع روستایی

از صنایع دستی رایج در روستا جوباشه‌بافی قالی بافی، سبزه‌بافی را دیدیم، که حدود ۳۰ نفر به این کار اشتغال دارند. کارمان ولی- پور یکی از روستائیان در این مورد می‌گوید: «۹ سال است که فرش می‌بافم و روزی ۴۰ تومان مژده می‌گیرم.»

رفاه

مشهدی نجف لیز چنگ

در مورد تأسیسات موجود در روستا و کمبودهای آن با ما ددول کرد و گفت:

آموزش

پای صحبت مشهدی علی حسین نشستم که در این مورد می‌گوید: ۲ مدرسه داریم، یکی سرانه و دیگری دخترانه، که البته هر دو آنها برای دوره دبستان است. برای دوره دبیرستان دانش آموزان مجبورند به شهر بروند، تازه آنها برای همه مقدور نیست.

مشهدی نجف در مورد حمام روستا می‌گوید:

«اخیراً یک حمام ۴ دوشه ساخته شده است و آنها هم به علت کمبود آب هفته‌ای ۱ تا ۱/۵ روز قابل استفاده است»

بهداشت.

راه می‌خواهند

جانانلو - روستائی فاقد هر گونه امکان زندگی

روستای جانانلو (۱۳۰ خانوار - ۷۰ کیلومتری امر) تابع بخش خداآفرین است. بزمینی و کم‌زمینی در بزرگ کشاورزان این روستاست. «اصلاحات ارضی شاهانه» در این روستا بدین ترتیب بود که هر کس قدرت و نفوذ داشت، صاحب زمین شد و هر کس فاقد قدرت بود، همچنان بدون زمین ماند.

تعدادی از دهقانان در نتیجه وام‌های کم‌بهره که داشتند و قادر به پرداخت آن نبودند و در روستا نیز زمین نداشتند، مهاجرت کردند و به شهرها برای کار سرآزید شدند. هم‌اکنون نیز زمین از یک سوم اهالی بدون زمین هستند و زندگی فلاکت‌باری را میگذرانند. در روستا زمینهای زیادی متعلق به اسداله خان محمد خانلو، از خانهای بزرگ منطقه وجود دارد.

راه می‌خواهند

روستائیان شبانکاره، نزدیک میمند، می‌گویند که در شب‌نکاره از جاده، برق و بهداشت خبری نیست. این روستائیان می‌خواهند جاده‌ای از شبانکاره به میمند کشیده شود. بنابر نظر روستائیان بودجه‌ای برای اینکار در نظر گرفته شده است، ولی عده‌ای در میمند در انجام این امر مهم کارشکنی میکنند.

گزارشی از روستای «موتالیق» بخش کلپور (اهر)

دهقانان را بعنوان مزدور استخدام کرده‌اند. آب رودخانه سبیلین، که از کنار روستا میگذرد و حتی در فصل تابستان هم جاری است، پیروده هدر میرود. اهالی می‌گویند که به علت نداشتن سد و قادر نبودن به خرید موتور پمپ، آب فراوان، مفت و مجانی از زمین می‌برد. آب خود را بایر در اختیار دهقانان بی‌زمین قرار میدادند، ولی ۳ سال قبلاً آنها با استفاده از تراکتور

۳- رفع کمبود تراکتور. ۴- ایجاد مدرسه راهنمایی. ۵- از بین بردن گرانی از طریق شرکت تعاونی و فراهم کردن کالاهای ضروری و مورد نیاز از طریق شرکتها.

روستائیان می‌گفتند: «در دوران شروع انقلاب ما بارها با تراکتور و ماشین برای تظاهرات به تبریز می‌آمدیم، ما در مبارزه با آمریکا حاضریم از زندگی‌مان بگذریم، تا بوزدهشتم را بخساک بسازیم. از دولت نیز می‌خواهیم بیشتر بوضع ما برسد.»

۳- رفع کمبود تراکتور. ۴- ایجاد مدرسه راهنمایی. ۵- از بین بردن گرانی از طریق شرکت تعاونی و فراهم کردن کالاهای ضروری و مورد نیاز از طریق شرکتها.

روستائیان می‌گفتند: «در دوران شروع انقلاب ما بارها با تراکتور و ماشین برای تظاهرات به تبریز می‌آمدیم، ما در مبارزه با آمریکا حاضریم از زندگی‌مان بگذریم، تا بوزدهشتم را بخساک بسازیم. از دولت نیز می‌خواهیم بیشتر بوضع ما برسد.»

روستائیان می‌گفتند: «در دوران شروع انقلاب ما بارها با تراکتور و ماشین برای تظاهرات به تبریز می‌آمدیم، ما در مبارزه با آمریکا حاضریم از زندگی‌مان بگذریم، تا بوزدهشتم را بخساک بسازیم. از دولت نیز می‌خواهیم بیشتر بوضع ما برسد.»

روستائیان می‌گفتند: «در دوران شروع انقلاب ما بارها با تراکتور و ماشین برای تظاهرات به تبریز می‌آمدیم، ما در مبارزه با آمریکا حاضریم از زندگی‌مان بگذریم، تا بوزدهشتم را بخساک بسازیم. از دولت نیز می‌خواهیم بیشتر بوضع ما برسد.»

روستائیان می‌گفتند: «در دوران شروع انقلاب ما بارها با تراکتور و ماشین برای تظاهرات به تبریز می‌آمدیم، ما در مبارزه با آمریکا حاضریم از زندگی‌مان بگذریم، تا بوزدهشتم را بخساک بسازیم. از دولت نیز می‌خواهیم بیشتر بوضع ما برسد.»

روستائیان می‌گفتند: «در دوران شروع انقلاب ما بارها با تراکتور و ماشین برای تظاهرات به تبریز می‌آمدیم، ما در مبارزه با آمریکا حاضریم از زندگی‌مان بگذریم، تا بوزدهشتم را بخساک بسازیم. از دولت نیز می‌خواهیم بیشتر بوضع ما برسد.»

روستائیان می‌گفتند: «در دوران شروع انقلاب ما بارها با تراکتور و ماشین برای تظاهرات به تبریز می‌آمدیم، ما در مبارزه با آمریکا حاضریم از زندگی‌مان بگذریم، تا بوزدهشتم را بخساک بسازیم. از دولت نیز می‌خواهیم بیشتر بوضع ما برسد.»

روستائیان می‌گفتند: «در دوران شروع انقلاب ما بارها با تراکتور و ماشین برای تظاهرات به تبریز می‌آمدیم، ما در مبارزه با آمریکا حاضریم از زندگی‌مان بگذریم، تا بوزدهشتم را بخساک بسازیم. از دولت نیز می‌خواهیم بیشتر بوضع ما برسد.»

روستائیان می‌گفتند: «در دوران شروع انقلاب ما بارها با تراکتور و ماشین برای تظاهرات به تبریز می‌آمدیم، ما در مبارزه با آمریکا حاضریم از زندگی‌مان بگذریم، تا بوزدهشتم را بخساک بسازیم. از دولت نیز می‌خواهیم بیشتر بوضع ما برسد.»

روستائیان می‌گفتند: «در دوران شروع انقلاب ما بارها با تراکتور و ماشین برای تظاهرات به تبریز می‌آمدیم، ما در مبارزه با آمریکا حاضریم از زندگی‌مان بگذریم، تا بوزدهشتم را بخساک بسازیم. از دولت نیز می‌خواهیم بیشتر بوضع ما برسد.»

روستائیان می‌گفتند: «در دوران شروع انقلاب ما بارها با تراکتور و ماشین برای تظاهرات به تبریز می‌آمدیم، ما در مبارزه با آمریکا حاضریم از زندگی‌مان بگذریم، تا بوزدهشتم را بخساک بسازیم. از دولت نیز می‌خواهیم بیشتر بوضع ما برسد.»

روستائیان می‌گفتند: «در دوران شروع انقلاب ما بارها با تراکتور و ماشین برای تظاهرات به تبریز می‌آمدیم، ما در مبارزه با آمریکا حاضریم از زندگی‌مان بگذریم، تا بوزدهشتم را بخساک بسازیم. از دولت نیز می‌خواهیم بیشتر بوضع ما برسد.»

روستائیان می‌گفتند: «در دوران شروع انقلاب ما بارها با تراکتور و ماشین برای تظاهرات به تبریز می‌آمدیم، ما در مبارزه با آمریکا حاضریم از زندگی‌مان بگذریم، تا بوزدهشتم را بخساک بسازیم. از دولت نیز می‌خواهیم بیشتر بوضع ما برسد.»

روستائیان می‌گفتند: «در دوران شروع انقلاب ما بارها با تراکتور و ماشین برای تظاهرات به تبریز می‌آمدیم، ما در مبارزه با آمریکا حاضریم از زندگی‌مان بگذریم، تا بوزدهشتم را بخساک بسازیم. از دولت نیز می‌خواهیم بیشتر بوضع ما برسد.»

روستائیان می‌گفتند: «در دوران شروع انقلاب ما بارها با تراکتور و ماشین برای تظاهرات به تبریز می‌آمدیم، ما در مبارزه با آمریکا حاضریم از زندگی‌مان بگذریم، تا بوزدهشتم را بخساک بسازیم. از دولت نیز می‌خواهیم بیشتر بوضع ما برسد.»

روستائیان می‌گفتند: «در دوران شروع انقلاب ما بارها با تراکتور و ماشین برای تظاهرات به تبریز می‌آمدیم، ما در مبارزه با آمریکا حاضریم از زندگی‌مان بگذریم، تا بوزدهشتم را بخساک بسازیم. از دولت نیز می‌خواهیم بیشتر بوضع ما برسد.»

روستائیان می‌گفتند: «در دوران شروع انقلاب ما بارها با تراکتور و ماشین برای تظاهرات به تبریز می‌آمدیم، ما در مبارزه با آمریکا حاضریم از زندگی‌مان بگذریم، تا بوزدهشتم را بخساک بسازیم. از دولت نیز می‌خواهیم بیشتر بوضع ما برسد.»

روستائیان می‌گفتند: «در دوران شروع انقلاب ما بارها با تراکتور و ماشین برای تظاهرات به تبریز می‌آمدیم، ما در مبارزه با آمریکا حاضریم از زندگی‌مان بگذریم، تا بوزدهشتم را بخساک بسازیم. از دولت نیز می‌خواهیم بیشتر بوضع ما برسد.»

روستائیان می‌گفتند: «در دوران شروع انقلاب ما بارها با تراکتور و ماشین برای تظاهرات به تبریز می‌آمدیم، ما در مبارزه با آمریکا حاضریم از زندگی‌مان بگذریم، تا بوزدهشتم را بخساک بسازیم. از دولت نیز می‌خواهیم بیشتر بوضع ما برسد.»

روستائیان می‌گفتند: «در دوران شروع انقلاب ما بارها با تراکتور و ماشین برای تظاهرات به تبریز می‌آمدیم، ما در مبارزه با آمریکا حاضریم از زندگی‌مان بگذریم، تا بوزدهشتم را بخساک بسازیم. از دولت نیز می‌خواهیم بیشتر بوضع ما برسد.»

روستائیان می‌گفتند: «در دوران شروع انقلاب ما بارها با تراکتور و ماشین برای تظاهرات به تبریز می‌آمدیم، ما در مبارزه با آمریکا حاضریم از زندگی‌مان بگذریم، تا بوزدهشتم را بخساک بسازیم. از دولت نیز می‌خواهیم بیشتر بوضع ما برسد.»

روستائیان می‌گفتند: «در دوران شروع انقلاب ما بارها با تراکتور و ماشین برای تظاهرات به تبریز می‌آمدیم، ما در مبارزه با آمریکا حاضریم از زندگی‌مان بگذریم، تا بوزدهشتم را بخساک بسازیم. از دولت نیز می‌خواهیم بیشتر بوضع ما برسد.»

روستائیان می‌گفتند: «در دوران شروع انقلاب ما بارها با تراکتور و ماشین برای تظاهرات به تبریز می‌آمدیم، ما در مبارزه با آمریکا حاضریم از زندگی‌مان بگذریم، تا بوزدهشتم را بخساک بسازیم. از دولت نیز می‌خواهیم بیشتر بوضع ما برسد.»

خرمن سوزان و تشدید فعالیت ضد انقلاب در آغاچاری

عوامل ضدانقلاب در آغاچاری سه خرمن بزرگ کندم را به آتش کشیدند. در پی این عمل، که در آستانه فصل برداشت محصول و همزمان با تحریم اقتصادی ایران از جانب امپریالیسم آمریکا و همپیمان اروپائی و ژاپنی‌اش صورت گرفت، واحد حزب توده ایران در آغاچاری، اصلاحیهای مسنر کرد. در بخشی از این اعلامیه آمده است:

«آتش زدن خرمنها در یکی از دهات آغاچاری صحت هشدارهای مکرر حزب توده ایران را ثابت میکند... در ساعت ۹ صبح ۲۵ تیر ۵۹، ۵۹ نفر موتورسوار مسلح، که بصورت خودرأیوشانده بودند، به سه خرمن بزرگ روستای ۱۶ مایلی (چون این روستا بین چاه نفت شماره ۱۵ و ۱۶ قرار گرفته، به این اسم معروف است.) نزدیک امامزاده اسیرالمومنین، قسمت شمال سریند آغاچاری، که بفاصله ۵ کیلومتری قرار گرفته است، حمله کردند و اسدا با شلیک تیر هوایی، افرادی را که در محل خرمن کار میکردند، وادار کردند که از محل خرمنها دور شوند، سپس خرمنها را به آتش کشیدند. زمانی که یکی از صاحبان خرمنها برای خاموشی کردن آتش اقدام میکند، با چمن بطرفش تیراندازی میکنند که خوشبختانه پکسی آسیبی نمیرسد، ولی با کمال تأسف سه خرمن بزرگ کندم یکلی از بین میروند.»

در بخش دیگر از اعلامیه گفته میشود:

«... ضدانقلاب همگام با ویرانکاریها در شهرها (حمله به کتابفروشیها، برب گدازها، اعتصاب و تحمسن) در روستاهای با پیشروی به جنایت دست میزند، تا مگر با ایجاد آشفتنکی در ماندگی و در جوی آکده از تفرقه و ترس و ناپسندایی، پایگاههای جنبشی امپریالیسم را با بسازی کند.»

نام «مردم» که بارها در باره فعالیت خرمنکارانه ضدانقلاب در آغاچاری هشدار داده است، بار دیگر هشدار خود را تکرار میکند و از مقامات مسئول و ارگانهای اجرائی جمهوری اسلامی ایران میخواهد که با هوشیاری فزاینده و قابلیت هر چه قاطعتر، جلوگیری از ضدانقلاب را بکنند و تکذبات و حسانیت خاصی بر خود رواست، به کانونی برای فعالیت ضدانقلاب تبدیل گردد.

قانون اصلاحات ارضی باید در جهت ریشه کن ساختن بزرگسالگی و دادن زمین به کلیه دهقانان بی زمین و کم زمین، هر چه سریعتر و قاطعتر اجرا شود

راه می‌خواهند

جانانلو - روستائی فاقد هر گونه امکان زندگی

روستای جانانلو (۱۳۰ خانوار - ۷۰ کیلومتری امر) تابع بخش خداآفرین است. بزمینی و کم‌زمینی در بزرگ کشاورزان این روستاست. «اصلاحات ارضی شاهانه» در این روستا بدین ترتیب بود که هر کس قدرت و نفوذ داشت، صاحب زمین شد و هر کس فاقد قدرت بود، همچنان بدون زمین ماند.

تعدادی از دهقانان در نتیجه وام‌های کم‌بهره که داشتند و قادر به پرداخت آن نبودند و در روستا نیز زمین نداشتند، مهاجرت کردند و به شهرها برای کار سرآزید شدند. هم‌اکنون نیز زمین از یک سوم اهالی بدون زمین هستند و زندگی فلاکت‌باری را میگذرانند. در روستا زمینهای زیادی متعلق به اسداله خان محمد خانلو، از خانهای بزرگ منطقه وجود دارد.

روستای جانانلو (۱۳۰ خانوار - ۷۰ کیلومتری امر) تابع بخش خداآفرین است. بزمینی و کم‌زمینی در بزرگ کشاورزان این روستاست. «اصلاحات ارضی شاهانه» در این روستا بدین ترتیب بود که هر کس قدرت و نفوذ داشت، صاحب زمین شد و هر کس فاقد قدرت بود، همچنان بدون زمین ماند.

تعدادی از دهقانان در نتیجه وام‌های کم‌بهره که داشتند و قادر به پرداخت آن نبودند و در روستا نیز زمین نداشتند، مهاجرت کردند و به شهرها برای کار سرآزید شدند. هم‌اکنون نیز زمین از یک سوم اهالی بدون زمین هستند و زندگی فلاکت‌باری را میگذرانند. در روستا زمینهای زیادی متعلق به اسداله خان محمد خانلو، از خانهای بزرگ منطقه وجود دارد.

روستای جانانلو (۱۳۰ خانوار - ۷۰ کیلومتری امر) تابع بخش خداآفرین است. بزمینی و کم‌زمینی در بزرگ کشاورزان این روستاست. «اصلاحات ارضی شاهانه» در این روستا بدین ترتیب بود که هر کس قدرت و نفوذ داشت، صاحب زمین شد و هر کس فاقد قدرت بود، همچنان بدون زمین ماند.

تعدادی از دهقانان در نتیجه وام‌های کم‌بهره که داشتند و قادر به پرداخت آن نبودند و در روستا نیز زمین نداشتند، مهاجرت کردند و به شهرها برای کار سرآزید شدند. هم‌اکنون نیز زمین از یک سوم اهالی بدون زمین هستند و زندگی فلاکت‌باری را میگذرانند. در روستا زمینهای زیادی متعلق به اسداله خان محمد خانلو، از خانهای بزرگ منطقه وجود دارد.

روستای جانانلو (۱۳۰ خانوار - ۷۰ کیلومتری امر) تابع بخش خداآفرین است. بزمینی و کم‌زمینی در بزرگ کشاورزان این روستاست. «اصلاحات ارضی شاهانه» در این روستا بدین ترتیب بود که هر کس قدرت و نفوذ داشت، صاحب زمین شد و هر کس فاقد قدرت بود، همچنان بدون زمین ماند.

تعدادی از دهقانان در نتیجه وام‌های کم‌بهره که داشتند و قادر به پرداخت آن نبودند و در روستا نیز زمین نداشتند، مهاجرت کردند و به شهرها برای کار سرآزید شدند. هم‌اکنون نیز زمین از یک سوم اهالی بدون زمین هستند و زندگی فلاکت‌باری را میگذرانند. در روستا زمینهای زیادی متعلق به اسداله خان محمد خانلو، از خانهای بزرگ منطقه وجود دارد.

روستای جانانلو (۱۳۰ خانوار - ۷۰ کیلومتری امر) تابع بخش خداآفرین است. بزمینی و کم‌زمینی در بزرگ کشاورزان این روستاست. «اصلاحات ارضی شاهانه» در این روستا بدین ترتیب بود که هر کس قدرت و نفوذ داشت، صاحب زمین شد و هر کس فاقد قدرت بود، همچنان بدون زمین ماند.

تعدادی از دهقانان در نتیجه وام‌های کم‌بهره که داشتند و قادر به پرداخت آن نبودند و در روستا نیز زمین نداشتند، مهاجرت کردند و به شهرها برای کار سرآزید شدند. هم‌اکنون نیز زمین از یک سوم اهالی بدون زمین هستند و زندگی فلاکت‌باری را میگذرانند. در روستا زمینهای زیادی متعلق به اسداله خان محمد خانلو، از خانهای بزرگ منطقه وجود دارد.

روستای جانانلو (۱۳۰ خانوار - ۷۰ کیلومتری امر) تابع بخش خداآفرین است. بزمینی و کم‌زمینی در بزرگ کشاورزان این روستاست. «اصلاحات ارضی شاهانه» در این روستا بدین ترتیب بود که هر کس قدرت و نفوذ داشت، صاحب زمین شد و هر کس فاقد قدرت بود، همچنان بدون زمین ماند.

تعدادی از دهقانان در نتیجه وام‌های کم‌بهره که داشتند و قادر به پرداخت آن نبودند و در روستا نیز زمین نداشتند، مهاجرت کردند و به شهرها برای کار سرآزید شدند. هم‌اکنون نیز زمین از یک سوم اهالی بدون زمین هستند و زندگی فلاکت‌باری را میگذرانند. در روستا زمینهای زیادی متعلق به اسداله خان محمد خانلو، از خانهای بزرگ منطقه وجود دارد.

روستای جانانلو (۱۳۰ خانوار - ۷۰ کیلومتری امر) تابع بخش خداآفرین است. بزمینی و کم‌زمینی در بزرگ کشاورزان این روستاست. «اصلاحات ارضی شاهانه» در این روستا بدین ترتیب بود که هر کس قدرت و نفوذ داشت، صاحب زمین شد و هر کس فاقد قدرت بود، همچنان بدون زمین ماند.

تعدادی از دهقانان در نتیجه وام‌های کم‌بهره که داشتند و قادر به پرداخت آن نبودند و در روستا نیز زمین نداشتند، مهاجرت کردند و به شهرها برای کار سرآزید شدند. هم‌اکنون نیز زمین از یک سوم اهالی بدون زمین هستند و زندگی فلاکت‌باری را میگذرانند. در روستا زمینهای زیادی متعلق به اسداله خان محمد خانلو، از خانهای بزرگ منطقه وجود دارد.

روستای جانانلو (۱۳۰ خانوار - ۷۰ کیلومتری امر) تابع بخش خداآفرین است. بزمینی و کم‌زمینی در بزرگ کشاورزان این روستاست. «اصلاحات ارضی شاهانه» در این روستا بدین ترتیب بود که هر کس قدرت و نفوذ داشت، صاحب زمین شد و هر کس فاقد قدرت بود، همچنان بدون زمین ماند.

دهقانان کم زمین و بی زمین! باتشکیل کمیته‌های خود و باتکیه به پاسداران متعهد و افراد دلسوز جهاد سازندگی، به مسئولان دولتی کمک کنید، تا قانون اصلاحات ارضی سرپا و بسود شما اجرا شود

تمام قراردادهای اقتصادی و نظامی اسارتگر امپریالیستی باید لغو شود

مقاومت علیه رژیم دست نشانده پاکستان افزایش مییابد

رژیم دست نشانده ضیاءالحق در پاکستان، که برای آزادی (۱) در کشورهای دیگر اشک تماش میبرد، در یک حمله گسترده به تظاهرات هزاران نفر از وکلای دادگستری پاکستان در لاهور، حدود هشتاد و پنج وکیل را بازداشت کرد. مزدوران رژیم ضیاءالحق، در حالیکه بانوهای خود را دوسر تکان میدادند، به اجتماع وکلای دادگستری در لاهور، که بعنوان اعتراض به اقدامهای اخیر رژیم نظامی در مورد کاهش اختیارات دادگاههای غیرنظامی تشکیل شده بود، حمله کردند. از جمله افرادی که به وسیله چکمه پوشان ضیاءالحق بازداشت شده اند، می توان از قاسم مالک دبیر کسب سابق حزب مسلم لیگ پاکستان و اعتراف احمد، وزیر دادگستری پنجاب در زمان حکومت یوقو نام برد. این دو تن از وکلای دادگستری برجسته پاکستان هستند. وکلای دادگستری در حالیکه از ساختمان دیوان عالی لاهور با شعارهای «مرگ بر

ژنرال ضیاء» و «انتخابات آزاد را ظرف سه ماه برگزار کنید» شروع به راهپیمایی کرده بودند، مورد حمله مزدوران پلیس رژیم دست نشانده ضیاءالحق قرار گرفتند. وکلای دادگستری پاکستان همچنین خواستار آزادیهای دموکراتیک و لغو سانسور شدید بر مطبوعات هستند، و درخواست می کنند زندانیان سیاسی، کسه در وضع بسیار ناساعدی پس می برند، هرچه زودتر آزاد شوند. وکلای دادگستری در راهپیمایی خود بیلا کاردیهای همراه داشتند که روی آنها نوشته شده بود: «پایان دوران سیاه حکومت ضیاء نزدیک است.» وکلای دادگستری روز پنجم زویه، سالگرد کودتای دارووسته حاکم نظامی پاکستان را، روز مقاومت ملی علیه رژیم آمریکایی ضیاءالحق اعلام کردند.



حمایت کارتر از «مسلمانان مبارزه افغانستان»

کارتر اعلام کرد که از ۲۱ تا ۲۷ ژوئیه سال جاری هفت کمک به افغانستان برگزار خواهد شد. کارتر از آمریکاییها خواسته است به افغانستانی که پس از انقلاب پس کشورهای همسایه گریخته اند، کمک کند. ایالات متحده آمریکا به بهانه رساندن این کمکها در پاکستان پایگاههای ایجاد کرده است و ضدانقلابیون افغانی در این پایگاهها آموزش نظامی می بینند، تا پس از طی این آموزش، بمنظور عملیات تروریستی و خرابی کارخانه به افغانستان فرستاده شوند. کارانه پیش گروهی از این اشرار، که مخفیانه به کابل رفته بودند، با استفاده از نارنجکهای حاوی مواد سمی ساخت آمریکا، به مدارس این شهر حمله کردند، که در نتیجه صدها دانش آموز و معلم مسموم و به بیمارستان منتقل شدند. اعلام شده است که به افغانستان نیز حمله جدیدی است برای توسعه مداخله آمریکا در افغانستان.

له دوآن، دبیر کل حزب کمونیست ویتنام، جایزه صلح نوبل گرفت

جایزه بین المللی صلح نوبل در هانوی به له دوآن، دبیر کل حزب کمونیست ویتنام تسلیم شد. له دوآن در مراسم گرفتن جایزه گفت که اتحاد شوروی در دوران مبارزه قهرمانانه خلق ویتنام علیه تجاوز امپریالیسم چنانیکار آمریکا کمکهای بی شائبه و ذیقیتی در اختیار مردم ویتنام قرار داده است و اکنون نیز در مرحله جدید مبارزه خلق قهرمان ویتنام علیه توسعه طلبان چینی، اتحاد شوروی دوست روزنده ویتنام است.

یکی از کمک کنندگان به اصطلاح مبارزان افغانی، رژیم خان سادات است

روابط رهبران با اصطلاح مبارزان افغانی با رژیم خان و سرسپرده سادات روز بروز گرمتر میشود. به نوشته روزنامه قاهره، قرار است بزودی هیئتی از مبارزان افغانی برای گفتگو با رهبران مصر در زمینه افزایش کمک نظامی به این با اصطلاح مبارزان وارد قاهره شود. در ارتباط با این مسئله، روزنامه مصری «الایخاره» ضمن ستایش از «مبارزان افغانی» تاکید کرده است که طرف چند روز آینده اتحاد اسلامی برای آزادی افغانستان، هیئتی به چند کشور عربی، از جمله مصر گسیل میدارد، تا دوسر افزایش کمک کشورهای اسلامی و عربی از جمله مصر به این اتحادیه، مذاکراتی انجام دهد. رژیم سادات از چند ماه پیش کمک به باندهای افغانی را افزایش داده است. ضیاء خان ناصری، یکی از رهبران با اصطلاح مبارزان افغانی، در ماههای اخیر چند بار از مصر دیدن کرد. اکنون به دستور سادات در چند اردوگاه در مصر، «مبارزان افغانی» آموزش می بینند و این واقعیتی است که ضیاء خان ناصری چند بار از آن اخبار از آن یاد کرده است. ضیاء خان ناصری در ژانویه گذشته، زمانی که بکین در مصر پس میبرد، از این کشور دیدن کرد و در آن زمان گفته شد که ناصری بطور خصوصی مذاکراتی با سادات و بکین انجام داده است.

حزب کمونیست هند: تحویل سلاح از طرف آمریکا و چین به پاکستان تهدیدی برای شبه قاره آسیای جنوبی است

بعودت حزب کمونیست هند، اجتماع بزرگی در دهلی نو زیر شعار «تحویل سلاح از طرف آمریکا و چین به پاکستان تهدیدی برای شبه قاره آسیای جنوبی است» و «پاسخ دندان شکن به اتحاد تجاوزکارانه پاکستان، آمریکا و چین» و «دموکراسی باید در پاکستان برقرار شود» برگزار شد. در این اجتماع، نمایندگان حزب کمونیست هند، اتحادیه های کارگری، سازمان های جوانان و زنان کشور شرکت کردند. کریشنان، دبیر شورای ملی حزب کمونیست هند گفت که سرزمین پاکستان به پناه عمده عملیات خرابکاری علیه جمهوری دموکراتیک افغانستان تبدیل شده است. کریشنان تاکید کرد که امپریالیسم آمریکا، چین و رژیم پاکستان با اعطای کمکهای فراوان به ضدانقلابیون افغانی، گستاخانه در امور خلق افغان، که تلاش دارد در گزینهای سرفروزی اقتصادی - اجتماعی در کشور انجام دهد، مداخله می کند. شرکت کنندگان در تظاهرات خواستار پایان دادن به نظامیگری در پاکستان و مخورف شدن توطئه اوتجاع جهانی علیه افغانستان، هند و ایران و آماده دموکراسی در پاکستان شدند.

تظاهرات گسترده کارگران و کشاورزان پر فعال علیه دولت دست راستی این کشور

برنمال، شبه گذشته، شاهد تظاهرات گسترده صدها هزار کارگر و کشاورزان علیه دولت دست راستی ساکنان بود. این تظاهرات بدعت اینتر سیکال در دهها شهر صورت گرفت و تنها در شهر لیسبون، پایتخت برنمال، دهها هزار نفر در تظاهرات شرکت کردند.

تظاهر کنندگان اعلام کردند که سیاستهای ارتجاعی دولت باعث باثی آمدن سطح زندگی زحمتکشان شده است و ارتش بیکاران افزایش یافته است. تظاهر کنندگان همچنین اعلام کردند که به تمام نوا در مقابل تلاشهای دولت برای نابود کردن نتایج برنامه های اصلاحات ارضی مقاومت خواهند کرد. مردم برنمال همچنین به سانسور در رادیو و تلویزیون اعتراض و اعلام کردند که رادیو تلویزیون تنها اعلامیه های هیئت حاکمه را پخش می کند.

رژیم فاشیستی شیلی به بازداشت مخالفان ادامه میدهد

رژیم فاشیستی پینوشه در شیلی، در سال جاری صدها تن از مخالفان را بازداشت کرده است. سازمان حقوق بشر شیلی و سازمان های بین المللی اعلام کردند که بر اساس اطلاعات بدست آمده، فاشیستهای شیلی که از حمایت مستقیم امپریالیسم آمریکا برخوردارند، در سال جاری صدها تن را به زندان انداخته اند. همچنین از سر نوشت ۲۵۰ تن، که رژیم شیلی آنها را «ناپاییده» اعلام کرده است، اعلامی در دست نیست.

کشتی های جنگی آلمان فدرال برای کمک به آمریکا وارد وارد اقیانوس هند شده اند

امپریالیسم آمریکا متحدان خود را به طرهای تجاوزکارانه اش در تقابلهای مختلف جهان می کشاند. چهار کشتی جنگی آلمان فدرال را می توانی هند شده اند تا همراه بانوانگان آمریکا در این اقیانوس، تحرکات علیه خلق های منطقه را افزایش دهند. این کشتیها قرار است همچنین مدتی در بنادر پاکستان توقف کنند.

اتحاد شوروی در جهت ساختمان کمونیسم به پیش می رود

آندره کرینلکو، عضو دفتر سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی گفت که سازندگی کمونیسم روندی خلق است، که به سطح عالی دانش و افزایش دانش آن بستگی دارد. کرینلکو، که در مراسم فارغ التحصیلی، آکادمی اقتصادیات اتحاد شوروی سخن میگفت، اعلام کرد که به پایان برنامه پنج ساله جاری کشور کمتر از شش ماه دیگر باقی مانده است و از هم اکنون می توان گفت کشور در جهت ساختمان کمونیسم پیش می رود، و سطح تکنیکی تمام رشته های اقتصادی ارتقا یافته و قدرت دفاعی کشور نیز، که به پایان برنامه پنج ساله جاری سازنده خلق های شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی است، افزایش یافته است. کرینلکو گفت که از هم اکنون می توانیم از پیشرفت های بدست آمده بخود بیاییم. با این همه مسائل زیادی پیش روی کشور قرار داده، که باید حل شود. کرینلکو گفت که اتحاد شوروی ضمن ساختمان کمونیسم به ایجاد شرایط جهانی مساعد نیز توجه دارد. اکثر مسائل تجاوزکار امپریالیستی و بویژه امپریالیسم آمریکا تلاش دارند که شش را در جهان افزایش دهند، اما نباید به امپریالیسم و سلطه طلبان چینی اجازه داد دستاوردهای تنج زدایی را نابود سازند.

تظاهرات مردم در آفریقای جنوبی علیه رژیم نژادپرستان گسترش می یابد

ساله نجوم رهبران خلق آفریقای جنوب غربی (سواپو) اعلام کرد که اوضاع نامی برای اقدام های چنانیکارانه نژادپرستان آفریقای جنوبی ایجاد آسیر است. رهبر «سواپو» - سازمانی که با حمایت طایع خلق نامی، برای استقلال نامی، علیه رژیم نژادپرست آفریقای جنوبی واداربان غربی آن بیکار می کند - اضافه کرد که هواپیمای نژادپرستان وحشیانه روستاهای بی دفاع را بمباران می کنند و بی گناهان راقتل می رسانند و مدها نقر را بازداشت کرده اند. نجوم قدرتهای امپریالیستی را در جنایات رژیم نژادپرست آفریقای جنوبی شریک دانست. از سوی دیگر گزارش می رسیده از آفریقای جنوبی نشان می دهد که تظاهرات گسترده سیاهان و دروغها علیه رژیم ضد بشری آپارتاید با شدت ادامه دارد و دامنه تظاهرات روز بروز گسترش می یابد. مزدوران پلیس برای درهم شکستن تظاهرات و وحشیانه مردم را زیر و کبار گلوله می کردند. تاکنون دهها تن کشته شده اند. همچنین موج تظاهرات با اعتراضات کارگری ترم شده است. در ناحیه «کیپ» هزارها کارگر بعنوان اعتراض علیه سیاست تبعیض نژادی و پائین بودن دستمزدها دست از کار کشیده اند. در جریان زدو خورد میان پلیس و کارگران عده زیادی مجروح شده اند.

اجلاس شورای همیاری اقتصادی با موفقیت پایان یافت

اجلاس شورای همیاری اقتصادی که در سطح رومانی دولتی در پراگ تشکیل شده بود، چه کار خود پایان داد. در این اجلاس مسائل مربوط به همکاری در برنامه های اقتصادی کشورهای عضو برای سالهای ۱۹۸۵-۱۹۸۸ در تفصیل مورد بحث قرار گرفت.

در این اجلاس کشورهای عضو (اتحاد شوروی، لهستان، مجارستان، رومانی، بلغارستان، جمهوری دموکراتیک آلمان، کوبا، موزامبیک و ویتنام) موافقت نامه هایی در این زمینه امضاء کردند.

کشورهای عضو، همبستگی خود را با تلاش شروع کشورهای در حال توسعه برای دستیابی به استقلال اقتصادی و از میان بردن استثمار انحصارات امپریالیستی و راهی از نابرابری و سرکوب کشورها بوسیله چند کشور امپریالیستی و تأمین حق هر خلق برای اداره منابع طبیعی خود بفتح رفاه و ترقی کشور طی بیانیه ای مورد تاکید قرار دادند.

در بیانیه آمده است که کشورهای عضو بر اساس برابری کامل آماده اند بطور دو- جانبه و چند جانبه به کشورهایی که در مسیر تحول اجتماعی گام بر می دارند و همچنین به دیگر کشورهای در حال توسعه، که می خواهند پیشرفت اقتصادی خود را سرعت بخشند و استقلال سیاسی و اقتصادی خود را تحکیم کنند، کمک نمایند.

در بیانیه گفته شده است که به درخواست دولت افغانستان، تصمیم گرفته شد این کشور بعنوان عضو ناظر در شورا شرکت داشته باشد (کشورهای آنکولا، موزامبیک، لائوس، ایتوبی و جمهوری دموکراتیک خلق یمن دیگر کشورهای ناظر شورا هستند.)

اجلاس پراگ، با رضایت توسعه رضایت بخش همکاری اقتصادی میان اعضاء را بررسی کرد و یک رشته تدابیر گسترده را، که هدف آن ادغام اقتصادی سوسیالیستی هرچه بیشتر و افزایش کارایی اقتصادهای کشورهای عضو است، مورد بررسی قرار داد. در این اجلاس از جمله تخصصی کردن و هماهنگی در ساختن کامپیوترها مورد بحث قرار گرفت و همچنین در مورد بهبود پلایش نفت موافقت نامه ای امضاء شد.

گوستاو هوساک، دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست چکسلواکی و رئیس جمهوری این کشور، بمناسبت پایان اجلاس شورای همیاری اقتصادی در پراگ گفت که سوسیالیسم و جبارمین اجلاس این شورا رویدادی پس مسم در زندگی کشورهای عضو و در زندگی جامعه سوسیالیستی و جهان بوده است و این اجلاس گام تازه ای در رسیدن به هدفهای مشترک محبوب می شود. آلکسی کاسیگین، نخست وزیر اتحاد شوروی نیز در سخنرانی خود در پاسخ به هوساک گفت که کشورهای عضو دوران پنجم - ساله همکاری را آغاز میکنند و مسائل هر- چند هم بفرغ و سهم باشد، کشورهای عضو معممند آنها را حل کنند و میدانند که از مسائل لازم برای حل مسائل برخوردارند، و این مسائل همانا توانایی علمی، فنی و رشد فزاینده و اراده کشورهای عضو برای همکاری هرچه بیشتر و توانایی کشورهای سوسیالیستی برای مقابله موفقیت آمیز در مقابل هرگونه تلاش نیروهای امپریالیستی در جهت افزایش تنش در جهان است.

درجهای سوسیالیسم

نقش سازنده «جبهه ملی» در اداره جمهوری دموکراتیک آلمان

در جمهوری دموکراتیک آلمان، همکاری سیاسی احزاب و سازمانهای توده ای، که ضرورت و کارایی خود را در تمام دوران ساختمان نیوتن رسانده همواره گسترش می یابد. بی ستون وحدت روز افزون سیاسی و اخلاقی مردم جمهوری دموکراتیک آلمان همکاری اعتماد آمیز احزاب سیاسی، سازمانهای توده ای و شهروندهای متعهد در «جبهه ملی» است. در «جبهه ملی» هزاران مسیحی معتقد شرکت فعال دارند. برای نمونه، در ۲۶ «مجلس مسیحیان» «جبهه ملی»، ۵۰۰ شهروند آلمان دموکراتیک، از جمله بسیاری از کشیشان و رهبران مذهبی، شرکت یافته اند. در جمهوری دموکراتیک آلمان مردم قدرت سیاسی خود را از راه ارگانهای منتخب خود اعمال میکنند. آنها در سن ۱۸ سالگی حق انتخاب شدن و انتخاب کردن را می یابند. نمایندگان «مجلس خلق» وکلای حرهای نیستند، بلکه کسانی هستند که در بین انجام شغل خود، وظیفه قانون گذاری و نظارت بر اجرای آنها را، بعهده گرفته اند. از نمایندگان که در سال ۱۹۷۶ به «مجلس خلق» راه یافتند، ۵۳٪ درصد دارای خاستگاه طبقه کارگری، ۲۱ درصد کارمند، ۱۰ درصد دهقان نامزدی، ۹ درصد روشنفکر، ۶٪ درصد پیشه ور مستقل، ۱٪ درصد دکاندار و ۱٪ درصد شغلان مستعاضای متفرقه بودند. ۳۲٪ درصد نمایندگان مجلس خلق زن هستند و ۲۷٪ درصد آنها نشان کمتر از ۴۰ سال است.

نامزدهای «مجلس خلق» را احزاب و سازمانهای توده ای متشکل در «جبهه ملی» پس از مشورت با همکاران آنها، معرفی میکنند نامزدها مکلند که قبل از انتخابات در جلساتی که در کارخانه ها، معادریها، مدارس، دانشگاهها و محلات تشکیل میشود شرکت جویند و برنامه خود را برای آنها تشریح کنند. نماینده مجلس خلق برای مدت پنج سال با رأی آزاد و سغنی انتخاب میشود و در صورت نانشیستی و یا اعمال در انجم وظیفه، می تواند از سوی انتخاب کنندگان خود عزل گردد. جدول زیر ترکیب سازمانی «مجلس خلق» جمهوری دموکراتیک آلمان را نشان میدهد:

درصد	سازمان
۲۵٪	حزب سوسیالیست متحد آلمان
۱۰٪	حزب دمکرات دمقاران آلمان
۱۰٪	اتحادیه دموکراتیک مسیحی آلمان
۱۰٪	حزب لیبرال دموکراتیک آلمان
۱۰٪	حزب ملی - دموکراتیک آلمان
۱۲٪	کنفدراسیون سننیکهای آزاد آلمان
۷٪	فدراسیون دموکراتیک زنان آلمان
۸٪	جوانان آزاد آلمان
۱٪	جامعه فرهنگ جمهوری دموکراتیک آلمان

درجهای سرمایه داری

زحمتکشان پر فعال از منافع خود دفاع میکنند

زحمتکشان برنمال، که با تعرض دوزافزون ارتجاع به سطح زندگی نودها و دستاوردهای دموکراتیک انقلاب آدریل دوبرو میشوند، هرچه بیشتر به کاراترین سلاح خود یعنی اعتصاب و دست می یازند. برای نمونه، کافی است که به اعتصاب تسلیم هزاران کارگر کارخانه شیمیایی دولتی «پتروکال» در شهر «باروو» و اعتصاب ماهیگیران آن کشور در چند هفته پیش اشاره گردد. تنها در چهاره اول سال میلادی کنونی، از ۱۰ میلیون برنمالی، یعنی بیش از نیمی از کارگران و کارمندان برنمالی، در اعتصابات شرکت کردند. بسیاری از این اعتصابات بر سر خواستهای اقتصادی نیستند بلکه انگیزه سیاسی دارند. در این زمینه، میتوان از اعتصاب برنمالی کارگران کشاورزی «آلفنتیوا» با اعتراض علیه اخلاص در امر اصلاحات ارضی و اعتصاب ملی کارگران بخش توابری، نام برد.

برخی از این اعتصابات، مثلا در شعبه «آی. تی. سی.» در برنمال، در پاسخ به اخراج کارگران از سوی کارفرما بود. اعتصاب عمومی ۲۰۰ هزار فلزکار و ۲۸۰ هزار کارمند بخش دولتی، خطاری بود به مقامات امور و کارکنان خدماتی خود را بحد افراط نرسانند. اینک ۵۰ میلیون زحمتکش برنمال به مبارزه برای مقصد قرارداد جدید دستزده مشغولند.

شماره های گذشته نامه «مردم» برای فروش به طور تک شماره آماده است

به دفتر نامه «مردم» مراجعه فرمائید

گرانی روز افزون هزینه زندگی بر دوش زحمتکشان سنگینی می کند. زحمتکشان را باید با تصمیمات فوری و قاطع انقلابی از زیر این بار نجات داد

خبر کرد. در سه الی چهار روز گذشته در آمریکا، ۲۳ ژانویه ۱۹۸۰ می‌نویسد:
فروغداد در پاکستان، نامزد ریاست جمهوری آمریکا از حزب جمهوریخواه، واقعتاً تحویل یمنی اسلحه ۲۰۰ آمریکایی بدارو دسته‌های شورشی در افغانستان را، که قبلاً هم برعه معلوم بود، آشکارا تأیید کرد. بیانیته تکراری ریکان درباره تسلیح راهزنان افغانی بدست آمریکا، براساس آن اطلاعاتی است که حالا با بطور رسمی از وزارت خارجه آمریکا دریافت می‌دارد. ریکان در پاسخ پرسشهای روزنامه‌نگاران در مورد ارسال غیرقانونی و قاچاق اسلحه آمریکایی به افغانستان، گفت:

حقایق درباره افغانستان (اسناد، واقعات و شواهد)

(۵)

اسلحه‌ای که از پاکستان به شورشیان افغانی می‌رسد، آمریکایی است

واشنگتن، و آموزشگاه خرابکاران در تکزاس، که بموقع خود در آمریکا تحویل کرده‌اند، تکمیل شده است. هر دوی این موسسه‌ها را مسیاه برای آموزش حرفه‌ای داوطلبان خارجی درست کرده است. این عده پس از مراجعت به افغانستان از دفتر انیس «مسیاه» به نامهای ساموئل ریکارد و آرنولد لوئگ، که زیر پوشش کربندان سفارت آمریکا، بنوبت در کابل بودند، دستور می‌گرفتند.

واشنگتن، و آموزشگاه خرابکاران در تکزاس، که بموقع خود در آمریکا تحویل کرده‌اند، تکمیل شده است. هر دوی این موسسه‌ها را مسیاه برای آموزش حرفه‌ای داوطلبان خارجی درست کرده است. این عده پس از مراجعت به افغانستان از دفتر انیس «مسیاه» به نامهای ساموئل ریکارد و آرنولد لوئگ، که زیر پوشش کربندان سفارت آمریکا، بنوبت در کابل بودند، دستور می‌گرفتند.

با ۱۴۰۰ میل مرز کوهستانی مشترک به افغانستان فرستاده میشود، بطور عمده اسلحه سبک و انواع نسبتاً ساده سلاحهای ضد تانک است، که افراد با آنها میتوانند ماشینهای زره‌دار را فلج کنند.

خبر میدهند که این مرسولات محرمانه اسلحه‌های ساخت خارجی است، که با این ادعا می‌توانند منبع آنها را پوشیده نگاهدارند. یا آنکه در ظاهر امر چگونگی تحویل این اسلحه‌ها مشخص نیست، ولی در این که اداره اطلاعات مرکزی آمریکا (سیا) آنرا سازمان میدهد، تردید نیست.

کمیسیونهای اصلی کنفرانس آمریکا کنترل عملیات سری، مرتباً از این اقدامات دولت، بوسیله وزارت خارجه و مسیاه مطلع میگردد.

تصمیم درباره تحویل اسلحه، کمک آمریکا به «مبارزان» افغانی را، که پیش از ورود نیروهای روسی انجام میگرفت، بطور اساسی تکمیل می‌کند.

کاسیس و رشیدوف در شماره ۸ سال ۱۹۸۰ هفته‌نامه «ولی» می‌نویسد:

«مبارزان کامیون می‌رسد و شما خودتان همه چیز را خواهید دید. کارمند وزارت مربوطه جمهوری دموکراتیک افغانستان، پس از بیان این مطلب، در راه جلوی ما باز کرد و افزود: تقریباً همه این اسلحه را ما از مرز پاکستان اینجا آورده‌ایم. شورشیان بطور عمده از محل‌هایی می‌گذرند که ارتفاعات سخت دارد و راه‌های کوهستانی آن بیشتر به ردیای وحوش شباهت دارد.»

۸ ژانویه، در نیویورک مرا با تلفونکرامی که از ستاد آشوبگران رسیده بود، آشنا گردید. در آن چنین آمده بود: «بار دیگر از آمریکا تقاضا داریم که پنا کمک، پول و اسلحه برساند. سوگند یاد میکنیم تا نابودی تمام دشمنانمان بچنگیم». تلفونکرام از سر پیشاور، واقع در مرز میان افغانستان و پاکستان، از سوی قرارگاه شورشیان، زیر فرماندهی شخصی بنام سید احمد جیلانی فرستاده شده بود. ستاد جیلانی در پیشاور، از فداغ-الحمیلان «دانشکده بین‌المللی پلیس» در

پتی از صفحه ۳

عین حال اهمیت بسیاری در پرورش سیاسی کارگران رشد میزان آگاهی طبقاتی و تشکل سازمانی آنها دارد. گرچه جنبش اتحادیه‌ای و کارگری ایران در آن زمان هنوز مراحل ابتدایی خود را طی می‌کرد، منالک اهمیت بسیار و تأثیر جدی در پیشبرد انقلاب مشروطیت بطور کلی داشت.

جنبش کارگری از همان آغاز با کمک مستقیم و شرکت فعال سوسیال دموکرات‌های ایران رشد و گسترش می‌یافت. «اجتماعیون عامیون» نه فقط در اتحادیه‌های کارگران موسسات تولیدی و خدماتی، بلکه در همه انجمن‌های صنفی فروشندگان (اصناف بازار)، انجمن‌های کارمندان دولت و غیره شرکت فعال داشتند. در عین حال باید متذکر شد که در انجمن‌ها (مانند «انجمن اصناف» و غیره) علاوه بر کارگران، صاحبان کارگاه‌های پیشه‌وری، صنایع دستی کوچک و متوسط نیز شرکت داشتند و این نتیجه ضعف کمی و کیفی طبقه کارگر و از مشخصات دوران اولیه جنبش کارگری و اتحادیه‌ای بود.

درباره فعالیت «مرکز غیبی»، که از کوشندگان و مجاهدین «اجتماعیون عامیون» در تبریز (علی‌مسیو، حاجی‌علی دوافروش، حاجی رسول صدقیانی و دیگران) تشکیل شده بود، در اغلب کتب مربوط بدانقلاب مشروطیت یاد شده است. باید اضافه کنیم که با کوشش این گروه از «اجتماعیون عامیون» و در ارتباط با گروه «همت» اقدام به ترجمه مرامنامه حزب سوسیال دموکرات کارگری روسیه به فارسی و سپس تدوین مرامنامه حزب «اجتماعیون عامیون» می‌شود.

روزنامه «فراخ» چاپ ارومیه (جمادی‌الاول ۱۳۳۵، ۱۹ خرداد ۱۳۳۶) در سرمقاله‌ای «خطاب به عموم روسای فرقه‌های (مجاهد)» پس از ذکر اهمیت «مسئله (مجاهد) در ایران، خصوصاً در آذربایجان» از «دو وظیفه خیلی مهم ... که هانها (تدوین) مرامنامه صحیح و نظامنامه صحیح» است، صحبت بر میان می‌آورد. سه ماه بعد (۱۹ شهریور ۱۳۳۶) چنین نظامنامه‌ای در کنفرانس مجاهدین در شهر مشهد به تصویب می‌رسد (متن آن در مجله «دنیا»، سال ۱۳۴۱، شماره ۴ بچاپ رسیده است). در این نظامنامه بعضی از مواد دستورنامه مصوب سال ۱۳۳۴ (در بالا از آن یاد کردیم) عیناً نقل شده است. چون این اسناد همه منتشر شده و تحلیل مختصری از آنها در مقاله و سپس کتاب رفیق فقید عبدالصمد کامبخش (شماره‌های درباره تاریخ جنبش کارگری ایران) بعمل آمده است، فقط به ذکر این نکته می‌پردازیم که همه اسناد موجود نشان میدهد که در دوران تدارک و آغاز برگزاری انقلاب مشروطیت تا گلوله باران مجلس اول (خرداد ۱۳۳۷)، یگانه حزب مشکل همانا حزب سوسیال دموکرات (اجتماعیون عامیون) بوده است. همه شاهدان عینی و مورخان (از جمله محمد علی خان تربیت) این حقیقت را بطور خود ذکر کرده‌اند.

پس از دفاع میجدانه (۱۱ ماهه) شهر تبریز در مقابل ارتجاع شاهنشاهی و با هجوم مجاهدین سوسیال دموکرات از گیلان و سپس اصفهان به تهران و شکست مفتضحانه محمد علی میرزا و احیای رژیم مشروطیت، مجلس دوم گشایش می‌یابد. در این زمان است که احزاب دیگر نظیر «اتحاد و ترقی» و «اعتدالیون» و غیره بوجود می‌آیند. بین این احزاب، یگانه حزبی که نماینده دموکراتیسم بیگانه بود و از مواضع جنبش انقلابی پشتیبانی می‌کرد، حزب دموکرات

بمقیده مظلمین آمریکایی، بمباد «هل-هوانی» پسوی مرزهای افغانستان، در شهر انگلیسی نچستر واقع است. در آن جا کمیونی خصوصی «ایترآرمز» زیر کنترل اداره جاسوسی آمریکا به صدور اسلحه می‌پردازد. شنبه واشنگتن کمیونی سازی همسایگی پن‌گاون و کارخانه اسلحه سازی آن نزدیک شهر روتون در ایالت ویرجینیا قرار دارد. زرادخانه اصلی «ایترآرمز» در ده‌ها مایله‌ساختن انباری بزرگ درمنچستر نگاهداری میشود و ۲۰۰ هزار قیسه سلاح جنگی را شامل است: مسلسل، تفنگ، بازو،

چگونه سوسیال دموکراسی انقلابی ایران پایه گذاری شد

است، که با مجاهدت و همکاری مستقیم «اجتماعیون عامیون» تشکیل شد و شروع به کار کرد. ارگان این حزب، روزنامه «ایران نو»، (شماره اول آن ۷ شعبان ۱۳۳۷ برابر اوت ۱۹۰۹ از چاپ خارج شد) نقش مؤثری در ترویج اندیشه‌های مارکسیسم-لنینیسم در ایران ایفا کرد.

در این روزنامه، طی دهها مقاله، به تفصیل از مارکس و انگلس نقل قول میشود. برای این که تصویری درباره میزان اطلاع نویسندگان این مقالات از دانش مارکسیسم - لنینیسم بدست آید، به دو نقل قول مختصر اکتفا می‌کنیم. در رشته‌مقالاتی که تحت عنوان «ترور»، در رد این پدیده درج شده است، روزنامه تفاوت بین ذهنی‌گرایی (سویژکتیویسم) و عینی‌گرایی (اوبژکتیویسم) در فهم مسائل تاریخی را متذکر میشود و با استفاده از ماتریالیسم تاریخی مارکس می‌نویسد که، با ترور افراد نمی‌توان روند اجتماعی - اقتصادی را از بنیاد تغییر داد. سپس روزنامه به‌نام مشهور انگلس، مورخه ۲۵ ژانویه ۱۸۹۴، استاد می‌کند که شخصیت‌هایی نظیر ژول‌سزار و ناپلئون در واقع خود زائیده شرایط تاریخی‌اند. با در نظر گرفتن این نکته که این نامه «انگلس» برای اولین بار سال‌ها پس از انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر منتشر شده است، به‌این نتیجه می‌رسیم که نویسنده مقاله از اصل نامه اطلاع داشته است. همین روزنامه برای توضیح ماتریالیسم تاریخی و یا به‌نوشته خود «اصول اجتماعی مادیه» می‌نویسد: «کارل مارکس مشهور در دیباچه کتاب «تفکیر علم اقتصاد» می‌گوید: انسان‌ها در تحصیل وسائل حیاتی خود عقده‌روابط معین می‌نمایند که لازم بوده و از اراده‌ایشان نیز مستقل می‌باشد. این روابط و مناسبات کسب محصولات (منظور مناسبات تولیدی است) با ساختی که برای بسط قوای تحصیلیه (باصطلاح امرزمانی‌روهای هلدن) ایشان گشته‌متناسب هستند. لیکن روابط محصولاتی مجتمعا بنیان اقتصادی هیئت اجتماعی را برپا می‌نمایند. به عبارت‌آخری، روابط و وسایط تحصیلیه‌اساس حقیقی ساختمان جامعه بشریت است. موسسات قضاییه، سیاسی و غیره پس از استحکام یافتن ارکان اقتصادی عرض وجود کرده‌اند و ظاهری می‌نمایند...»

روزنامه این قسمت را ادامه میدهد، تا بدانجا که مارکس می‌نویسد: «این روابط و وسایطی که تا آن زمان وسیله توسعه و افزایش قوای تحصیلیه هستند، آن‌گاه‌مانع پیشرفت کار میگردد. در این مورد دوره انقلاب اجتماعی سریرسد.» (شماره ۵۷، سال ۲) چنان که دیده میشود، «اجتماعیون عامیون» بطور کلی اطلاعات خوبی از افکار مارکسیستی - لنینیستی داشته‌اند. همین نکته که روزنامه در آن موقع در توضیح خلاصه‌ای مضمون ماتریالیسم تاریخی مارکس، بویژه این قطعه از اثر او، «تقدیر بر اقتصاد سیاسی» را انتخاب کرده، خوددلیل بر میزان احاطه «اجتماعیون عامیون» بر این آموزش است.

در همین دوره (سالهای ۱۳۳۸ - ۱۳۳۹) است که سرگوراجونیکیدزه در رایس گروهی از بلشویک‌ها، یعنی پیروان لنین (که در انقلاب مشروطیت شرکت فعال داشته و به‌ایرانیان کمک میکردند) به‌ایران می‌آید، در شهر رشت باشگاه‌های انترناسیونالیستی تشکیل میدهد، و مسافرت‌هایی به آذربایجان می‌کند (عکسی از او با بناتفاق ستارخان در دست است) و به‌اصور سازمانی و تبلیغاتی «اجتماعیون عامیون» مساعدت‌های فراوان می‌کند. پس از خروج اورجونیکیدزه از ایران، فعالیت او را مانند خبرنگار روزنامه «پروولتاری»

(همچنین جهت جمع‌آوری کمک نقدی برای ارسال به پاریس ویاری به‌انتشار مطبوعات سوسیالیستی) یکی از مجاهدین «اجتماعیون عامیون» به‌نام باغی جعفری ادامه میدهد.

از نامه‌هایی که گروه‌های «اجتماعیون عامیون» از ارمنه تبریز در این دوره (۱۳۳۸ - ۱۳۳۸) به کارل کائوتسکی (متن این نامه بچاپ رسیده و تحلیل مختصری از آن و بعضی از نامه‌های نوشته شده به پلخانف، در مقاله رفیق کامبخش آمده است) و سپس به گتورگی پلخانف نوشته‌اند، (متن یکی از این نامه‌ها بچاپ رسیده است) معلوم می‌شود که، از همان زمان مباحثات جدی در داخل حزب سوسیال دموکرات ایران وجود داشته است. گروهی از «چپ‌ها» در آن زمان مدعی بودند که چون انقلاب مشروطه، انقلاب بورژوازی ایران و برای پیشرفت سرمایه‌داری است، پس نباید در انقلاب مشروطه شرکت کرد. بعقیده‌ان‌ها طبقه کارگر نمی‌بایست از بورژوازی و انقلاب‌آویشتیانی کند. و حال‌این است که حتی مرتد‌هایی نظیر کارل کائوتسکی، که چندان از وضع ایران نیز مطلع نبودند، این نظر را بطور کلی درست نمی‌دانستند. ولی «چپ‌ها»، که از پاسخ کائوتسکی هم قانع نشده بودند، دوباره به پلخانف مراجعه میکنند. (جواب پلخانف در دست نیست، ولی پاسخ کائوتسکی همان زمان در روزنامه‌های «بوریا»، چاپ تفلیس و «آخو»، چاپ باکو منتشر شده است). از نامه «چپ‌ها»، که به‌نوشته خودشان «گروه کوچکی روشنفکران جوان» بودند، دیده میشود که آنها اساساً اطلاعات بسیار محدودی درباره حزب «اجتماعیون عامیون» داشته‌اند.

در جریان انقلاب بویژه پس از گلوله‌باران مجلس اول، دو جریان اجتماعی-سیاسی و اندیشه‌ای دموکراتیسم (نزدیک به توده‌های خلق) و لیبرالیسم (نزدیک به محافل حاکمه)، که در دوران تدارک انقلاب همکاری و نزدیکی داشتند، به تدریج از یکدیگر جدا شدند. لیبرال‌ها، که در نتیجه ضعف طبقه نوزاست سرمایه‌داری توانسته بودند مقامات حاکمه را اشغال کنند، کم‌کم به مواضع ارتجاعی در غلطیدن (کشتن قهرمان خلقی انقلاب مشروطیت ایران، ستارخان، فقط یک نشانه بارز خیانت لیبرالیسم به انقلاب و به‌خلق بود)، با امپریالیسم انگلیس و تزاریسم روسیه سازش کردند و به‌آسانی به‌اولتیماتوم این دو دولت تن دادند و مجلس دوم را خود منحل کردند.

پس از قلع و قمع «اجتماعیون عامیون»، دموکرات‌هایی هم که در مواضع انقلابی پافشاری میکردند و تا اندازه‌ای پیگیر بودند (حزب دموکرات نماینده آن‌ها بود) پراکنده شدند و اغلب ناگزیر به‌جلای وطن گردیدند.

اما مبارزه خلق و فعالیت «اجتماعیون عامیون» قطع نشد. در دوران جنگ جهانی اول (۱۹۱۴ - ۱۹۱۸) که سرزمین ایران، علیرغم اعلام‌بی‌طرفی، توسط دو گروه دول امپریالیستی «متحدین» و «متفقین» عملاً اشغال شده بود، مبارزه توده‌های زحمتکش و در صفوف مقدم آنها «اجتماعیون عامیون» (چه در داخل کشور و چه در خارج از کشور در مهاجرت) ادامه یافت.

در دوران تشدید تحریکات نیروهای ارتجاعی، که عده‌ای از فعالین «اجتماعیون عامیون» مجبور به ترک ایران شده بودند، در اروپای غربی، با استفاده از پشتیبانی وسیع حزب سوسیال دموکرات کارگری روسیه و رهبر آن لنین، در افشای ارتجاع ایران و مداخلات امپریالیسم در امور داخلی کشور به فعالیت سیاسی گسترده‌ای دست زدند. ارگان مرکزی حزب

اطلاعیه سازمان دانشجویان پیشگام در مورد انشعاب «اقلیت»:

مبانی اعتقادات ایدئولوژیک اقلیت را انحرافی اصولی میدانیم

سازمان دانشجویان پیشگام، طی اطلاعیه‌ای به تاریخ ۳۰۲۹ مواضع خود را در برابر انشعاب «اقلیت» اعلام کرده است. در این اطلاعیه از جمله آمده است: «... حرکت انحرافی طلبانه و گروه‌گرایانه «اقلیت» را که به انشعاب غیر اصولی و ناسالم منجر شده است، حرکتی پسرخلاف منافع طبقه کارگر و توده‌های ستمدیده، میدانیم. سازمان دانشجویان پیشگام، مبانی اعتقادات ایدئولوژیک «اقلیت» (پذیرش پیشگام گدشته به‌انحاء مختلف) را انحرافی اصولی دانسته و مواضع نقطه نظرات «اقلیت» را به‌عنوان مواضع تفکیکات سراسری سازمان چریک‌های فداالی خلق ایران، بر سمیت نمی‌شناسد.»

نام نویسی در حزب توده ایران

کارگران و زحمتکشان هوادار حزب توده ایران که مایلند در حزب ثبت‌نام کنند، و همچنین اعضای قدیمی حزب توده ایران که در گذشته بدلائل گوناگون ارتباطشان با حزب قطع شده، می‌توانند علاوه بر ایام هفت، روزهای جمعه از ساعت ۹ تا ۱۱ صبح و از ۴ تا ۵ بعد از ظهر به کارگران و زحمتکشان هوادار حزب توده ایران، واقع در خیابان ۱۶ آذر، ضلع غربی دانشگاه تهران، مراجعه کنند. در شهرستانها نیز دفاتر حزب توده ایران برای نام‌نویسی آماده است. متقاضیان هنگام ثبت‌نام حتماً شناسنامه عکس‌دار خود را همراه داشته باشند.

سوسیال دموکرات کارگری روسیه، روزنامه «سوسیال دموکرات» (۱۴ سپتامبر ۱۹۱۱، شهریور ۱۲۹۰) «مراجعه نامه کمیته مرکزی حزب سوسیال دموکرات ایران» را بچاپ رساند.

اصل این مراجعه‌نامه، که به علامت اعتراض به ورود محمدعلی میرزا از روسیه به ایران و در افشای فتنه‌انگیزی‌های تزاریسم روسیه و امپریالیسم انگلستان نوشته شده بود، در آخرین شماره‌های روزنامه‌های ایران (مرداد ماه ۱۲۹۰، ۱۶ اوت ۱۹۱۱) بچاپ رسیده بود.

همبستگی بین‌المللی و مناسبات انترناسیونالیستی «اجتماعیون عامیون» هیچ‌گاه قطع نشد. کمی پس از خروج اورجونیکیدزه از ایران، یکی دیگر از انقلابیون گرگی بنام گل‌اندازه (ولاسو) تریا (نام او در روزنامه ایران نو به‌اشتباه بعضی «ولاسو» لاسلو بجای «تریا» ثریا نوشته شده) که در سنگرهای انقلاب در آذربایجان يك انگشت خود را از دست داده بود، به‌اروپای غربی رفتند و به‌کمک سوسیال دموکرات‌های روسیه و به‌یاری لنین در شهرهای زوریخ (اول مه ۱۹۱۰)، بازل (۳ مه ۱۹۱۰)، ژنو (۷ مه ۱۹۱۰) و پاریس (۲۳ مه ۱۹۱۰) کنفرانس‌هایی درباره وضع ایران و فعالیت حزب «اجتماعیون عامیون» تشکیل میدهند، که اغلب با تصویب قطعنامه‌هایی در پشتیبانی از انقلاب ایران و محکومیت مداخلات دول امپریالیستی خاتمه می‌یابند. در قطعنامه کنفرانس پاریس از جمله چنین آمده است:

«... این اجتماع لعنت می‌گوید برائت‌الافروس و انگلیس، بر آن ائتلاف «مقدس تازه»، که مقصود اصلیش همانا جلوگیری از بیداری شرق و خصوصاً از حرکات تجدیدپروانه‌ایران که پیشاهنگ آسیای بیدار است، می‌باشد...»

و در قطعنامه کنفرانس ژنو بویژه گفته میشود: «... اجتماع روسها کنفرانس (تریا) را که عضو سوسیال دموکرات روسیه است، درباره انقلاب ایران و حرکات جابجانه روسیه در آن شنیده، حسیات درونی صمیمی محبت‌آمیز خود را به قهرمانان ایران، که در راه حریت و مساوات افراد ایرانیان و تحصیل حقوق اساسی انسانیت نموده‌اند، می‌رسانند...»

گزارشی را که «تریا» تهیه کرده بود، لنین شخصاً بررسی و ویراستاری میکند، تا به بیوست گزارش حزب سوسیال دموکرات کارگری روسیه، در کنفرانس انترناسیونال سوسیالیستی در کپنهاگ قرائت شود. چندی بعد حیدرخان نیز، که مجبور به ترک ایران شده بود، به اروپای غربی و به‌فعالیت خود در مهاجرت ادامه میدهد. در پی همین فعالیت‌ها و در رابطه با انترناسیونالیسم پروولتاری است که، پس از شکست انقلاب مشروطیت، حزب لنین، در کنفرانس ششم خود در شهر پراگ (ژانویه ۱۹۱۲ برابر با دی‌ماه ۱۲۹۰) صدای خود را به‌علامت همدردی با مردم ایران و اعتراض به تجاوزات دول امپریالیستی بلند کرد. در قطعنامه مخصوص این کنفرانس درباره ایران چنین آمده است:

«حزب سوسیال دموکرات کارگری روسیه علیه سیاست راهزنانه دارودسته تزاری، که تصمیم به اختناق آزادی خلق ایران گرفته و از هیچ عمل وحشیانه و نفرت‌انگیزی دریغ ندارد اعتراض میکند. کنفرانس تأیید میکند که اتحاد دولت روسیه با دولت انگلستان، که از هر نوع حمایت لیبرال‌های روس برخوردار است، قبل از هر چیز علیه جنبش انقلابی دموکراسی آسیای است و این اتحاد دولت لیبرال انگلستان را شریک وحشی‌گری خونین تزاریسم میکند. کنفرانس همدردی کامل خود را نسبت به‌مبارزه خلق ایران، بویژه مبارزه حزب سوسیال دموکرات، که در مبارزه با زورگویان تزاری این قدر شهید داده است، اعلام میدارد.» (لنین، آثار، جلد ۱۷، صفحه ۲۳۴)

حزب کمونیست اسرائیل و حزب کمونیست بلغارستان قرارداد کمپ‌دیوید را محکوم کردند. اعلام کردند که حل و فصل عادلانه مسئله خاورمیانه تنها می‌تواند بر پایه خروج اسرائیل از خاکت باشد.

حزب کمونیست اسرائیل و حزب کمونیست بلغارستان قرارداد کمپ‌دیوید را محکوم کردند. اعلام کردند که حل و فصل عادلانه مسئله خاورمیانه تنها می‌تواند بر پایه خروج اسرائیل از خاکت باشد.

بنح آمریکایی در سری‌لانکا بمطالعات برای توطئه و خرابکاری در کشور با زداشت شدند. مقام‌های سری‌لانکا اعلام کردند که این بنح تن خود را بپرومشنگران مسائل مربوط به مسئله ملی در سری‌لانکا و مذهب «بودائیسم» جا زده و با تجزیه‌طلبان سری‌لانکا تماس برقرار کرده بودند.

توطئه‌گران آمریکایی در سری‌لانکا با زداشت شدند

بنح آمریکایی در سری‌لانکا بمطالعات برای توطئه و خرابکاری در کشور با زداشت شدند. مقام‌های سری‌لانکا اعلام کردند که این بنح تن خود را بپرومشنگران مسائل مربوط به مسئله ملی در سری‌لانکا و مذهب «بودائیسم» جا زده و با تجزیه‌طلبان سری‌لانکا تماس برقرار کرده بودند.

برای توجه رفقای حزبی

هفته یکبار، روزهای سه شنبه مقالاتی از نامه «مردم» که برای مطالعه و بررسی رفقا بویژه لازم است، به اطلاع رفقای گرامی میرسد.

در این هفته توجه رفقا را به مقالات زیرین جلب میکنیم، سلسله مقالات «حقایق در باره افغانستان» (شماره های ۲۶۵-۲۶۲-۲۶۱/۳/۵۹، ۲۶۲-۲۶۱/۳/۵۹)

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران بمناسبت شصتمین سالگرد تأسیس حزب کمونیست ایران (شماره ۲۶۴، ۲۶۳/۱/۵۹)

حزب کمونیست ایران در چهره اش اطمینان تشکیل شد. (شماره ۲۶۵، ۲۶۴/۴/۵۹)

از انتشارات حزب توده ایران منتشر شد

تجربه ۲۸ مرداد

(نظری به تاریخ جنبش ملی شدن نفت ایران)

ف. م. جوانشیر

مجموعه جلد شده نامه مردم، از شماره ۱۰۱ تا ۱۹۵ (از ۲ آذر ۱۳۵۸ تا ۲۸ اسفند ۱۳۵۸)

تک شماره های گذشته نامه مردم (۱۳۵۷ تاکنون) برای فروش آماده است.

برای دریافت به دفتر نامه مردم، مراجعه فرمائید.

وضع طبقاتی جامعه ایران

و گروه های سیاسی پرش و پاسخ

۱۰ نورالدین کیانوری

نامه فروردین ارگان مرکزی حزب توده ایران

دارنده امتیاز و مدیر مسئول: منوچهر بهزادی

خیابان آذربایجان شماره ۶۸ تلفن: ۹۳۳۳۵۹-۹۳۵۷۲۸

شاره تلکس: 214081 TPI IR چاپ: کویان

MARDOM No. 266

24 June 1980

Price: West - Germany 0.80 DM France 2 fr. Austria 8 Sch. England 20 P. Belgium 10 fr. Italy 350 L. USA 50 Cts. Sweden 1.50 Skr.

دست واسطه ها و محترمان و سفته بازان و عوامل سودجو از تسلط بر اقتصاد، مالیه و بازار کشور باید کوتاه گردد

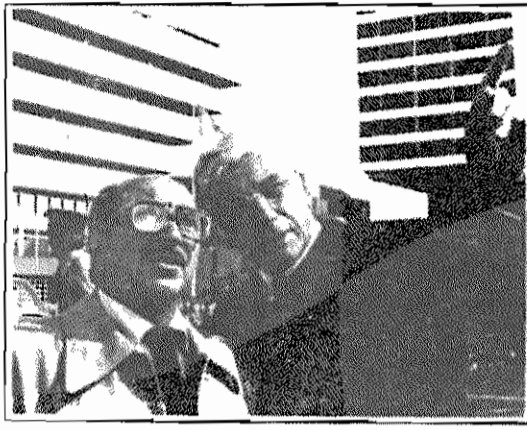
نقدی بر فیلم «ترور» ساخته «هانری ورنوی»:

تیر نه سیستم سرمایه داری...

هنر

فیلم «ترور» به کارگردانی هانری ورنوی و بازیهای ایو-مولتان و میشل آبرینی (محمول ۱۹۸۰) هم اکنون برده سه سینمای بزرگ تهران را تسخالی کرده است.

ماجرای فیلم از واقعه ترور کمندی اقتباس شده است. اگرچه داستان فیلم از تازگی سیاسی برخوردار است، ولی در واقع همان محتوای تندیرکننده و مبتذل فیلمهای جنایی پلیسی را ارائه میدهد.



تصویری از فیلم «ترور»...

جوانی که از روی پام آسمان خراشی قصد ترور رئیس-جمهوری را دارد، هنگام تیراندازی متوجه می شود که تفکته بدون گلوله است. در همین موقع رئیس جمهوری «محبوب» در میان جمیع کثیری از دستارانش، ترور می شود. جوان مذکور نیز توسط دو ناشناس در آسانسور به قتل می رسد. کمیسیون تحقیق درباره ترور رئیس جمهوری، پس از یکسال بررسی به این نتیجه می رسد که:

«قاتل همان جوان است و او پس از ترور دست به خودکشی زده».

یکی از اعضای کمیسیون تحقیق، وکیل «لنی» (ایو مولتان) با این نتیجه مخالفت می کند و تصمیم می گیرد جریان واقعه را خود دوباره تحقیق کند. وی در بررسی های خود به ردی «سازمان» های امنیتی پی می برد. و هنگامی که خیلی از مسائل برایش روشن شده است، توسط سازمان جاسوسی ترور می شود.

اگرچه کارگردان سعی دارد جریانات فیلم را واقعی و منطقی جلوه دهد و برای رسیدن به این مقصود از شیوه های نظریه و ماهرانه ایجاد هیجانهای تسمعی، همراه با تکنیک پیشرفته پرتحرک استفاده کرده است، ولی جریانات فیلم از منطقی علمی ناشی نمی شوند. ساختمان فیلم بر پایه حاشیه استوار است و رشته پایان ناپذیر حوادث «اتفاقی» مسیر فیلم را تعیین می کنند.

کارگردان پس از رنده، سیستم سرمایه داری جهانخواه را تیرنه می کند و گناه ترور افراد و فساد در اینگونه رژیمها را بگردن اشخاصی مانند روسای سازمانهای امنیتی می اندازد.

کارگردان تنها قصد تیرنه امپریالیسم کشور خاصی را ندارد، او با حذف زمان و مکان از فیلم، سیستم امپریالیستی را که سازمانهای جاسوسی بخش از آن هستند تیرنه می کند. در این چنین سیستمی، افراد مانند «پیرارد مالوی» رئیس سازمان امنیت سلطه خود را بر سازمانهای امنیتی حاکم می کنند و از این طریق حکومت را زیر فشار میکشاند. از نگاه کارگردان رئیس جمهوری هم حاصل سیستم نیست، او رئیس جمهوری «محبوب» است که می خواهد سازمانهای امنیتی را از بین ببرد و بهین خاطر توسط آن سازمان ترور می شود. در این میان آنکه علیه سازمان امنیتی (نه سیستم) بیا می خیزد، یکبارگی عناصر همان رژیم است؛ و کیلی که آنچنان در قدرت دولتی شریک است، که ابتدا

نگاهی به فیلم «نهضت مقاومت» محصول مشترک یوگسلاوی - جمهوری دمکراتیک آلمان:

فرزندان خلق در برابر تجاوز کاران

سال ۱۹۴۴ است. جنگ جهانی دوم پایان خود نزدیک میشود ارتش تا نندگان مسلح آلمان هیتلری، شهر سارایوای یوگسلاوی را در اختیار دارد. هسته مقاومت پارتیزانی در این شهر مستقر است. ژنرال فون دیترش آلمانی برای شکستن این هسته و سرکوب پشیادی مبارزان شهری و پارتیزانها و دستگیری رهبر عملیات پارتیزانی بتاجا گسیل شده است.

رهبر پارتیزانها «والتر»، با آنکه عملیات شکست انگیزی را علیه فاشیست ها طرحی، اجرا و رهبری میکند، ولی جز برای نسی چند از نزدیکترین یارانش، برای سایر پارتیزانها ناشناس و نامرئی است و در حقیقت هیچیک نمیدانند که کدامیک از افراد از میان خود آنها «والتر» است. دستگاه پلیس و امنیت آلمان «گشتاپو» و «اس اس» از ناشناس بودن «والتر» برای افراد هسته مقاومت، استفاده می کنند و یکی از مأموران خود را بعنوان «والتر» بدلی بیجان پارتیزانها میفرستند. از طریق این «والتر» قلابی اسامی بسیاری از افراد مقاومت و امکان تماسها لو میروند و لطافت جدی و فراوانی سازمان وارد میاید. و اما «والتر» قلابی سر-انجام توسط پارتیزانها شناسایی میشود و در درگیری شدیدی که بین او و «والتر» اصلی روی میدهد، کشته میشود و توسط گسترده نازیها به شکست می انجامد.

روح فیلم را گر چه عملیات شکست انگیز رهبر پارتیزانها و افراد از جان گذشته و ایمان تشکیل میدهد، اما کل اثر بیان شیوایی برپایه خلقی است شیفته آزادی، و این است آنچه که فیلم را اینچنین جذاب، پرکشش

«نهضت» در خلال فعالیت غیر ملنی، آگاهانه و به دور از اغراقهای فیلمهای ماجراجویی است. فرونی و اینها بر فرماندهان و فرماندهان به خوبی ترسیم شده است.

حسن برجسته فیلم، در اوج ماندن بازیها و حوادث تا لحظه پایان است. رهبر پارتیزانها شخصیتی متفکر، شجاع و جسور است، که بهیچوجه یک فرمان منفرد و جدا از تودهها را در نشاکار القا نمیکند.

ژنرال فون دیترش آلمانی، که پس از صرف روزها و ماهها و هدر دادن مقادیر هنگفتی نیروی مالی و تجهیزات و تعداد زیادی از نفقات خود، بالاخره موفق به دستگیری «والتر» نشده است، از طرف گشتاپو دستگیر و از مقام خود عزل میشود. او که در آغاز عملیات برای دستگیری «والتر» و تارومار کردن نهضت مقاومت، آنچنان متکی و مصمم است، در لحظه خروج خود از ستاد عملیاتی فاشیستها، با شکستی و در همین حال ناسف اظهار میدارد که: «تمام این مدت امیدوار بودم که «والتر» را بشناسم و حال که از اینجا میروم، او را شناختم».

سیس رو بهتر میکند و میگوید: «این شهر را می بینید! تمام این شهر «والتر» است».

این فیلم تقدیر از خلقی است که یکبارچه میزبند و سرانجام پیروز و آزاد میشود.

شوخی نیست...!

... متقاعد نشده اند!

«رادوی کلن آلمان غربی گزارش می دهد که قلب زاده وزیر امور خارجه ایران متقاعد شده است که ادامه گروگانگیری به نفع انقلاب ایران نیست و بایستی هر چه زودتر گروگانها را به آمریکا برگرداند و به قفاهم رسیده» (اطلاعات، ۲۷ خرداد) قلب زاده در پایان مصاحبه با خبرنگاران در پاسخ این سؤال که: «تسا در سال گذشته گفتید که با تشکیل کنفرانس های بین المللی، جو بین المللی برای حل مشکل بین ایران و آمریکا مناسب می شود، با توجه به تشکیل کنفرانسهایی در این زمینه، آیا هم اکنون به نظر شما شرایط جهانی برای حل این مشکل بهتر شده است، یا نه؟» گفت: «بله بهتر شده... سری کارها انجام شده، امیدواریم با ادامه تلاشهایی در این جهت هر چه بیشتر بهبود یابد» (یامداد، ۲۷ خرداد)

دلی مثالی اینکه مردم ایران هنوز متقاعد نشده اند!

شباهت

دجریکهای وفادار به رژیم سرنگون شده «بل بوت» نخست وزیر پیشین کامبوج... به قرارگاههای نظامی حمله می کنند، پلها را منفجر می کنند، جاده ها را خراب می کنند، به کاروانهای کامیون شبیخون می زنند و به قتلارها تیراندازی می کنند» (اطلاعات، ۲۷ خرداد)

شباهت زیادی به عملیات همالکی هایشان در افغانستان دارد.

چشم کی روشن؟!!

«بانک تجارتی ایران به نجات کارخانه کرایسلر از ورشکستگی کمک می کند»، «روز گذشته کسب اطلاعات شد درمیان بانکهای که طرح نجات کارخانه کرایسلر را امضاء کرده اند، یک بانک ایرانی هم موجود دارد» (یامداد، ۳۱ خرداد)

چشم کی روشن؟!!

تربچه پوک و نام دهان پر کن

یکی از گروهبانهای ضد انقلابی و ماوتیستی طی اعلامیه ای نام خود را اعلام کرده است. میدانید چیست؟ «جنبش انقلابی سازماندهی کارگران خلقهای ایران»!

خبرنگاران آمریکایی

با اینکه چندین بار تشریح شده که خبرنگاران آمریکایی جاسوس هستند و درود آنها به ایران ممنوع است و حتی این مطلب توسط شورای انقلاب نیز به تصویب رسیده است، بازم این خبرنگاران بر احوی در خاک کشور ما در رفت و آمدند و مرتب گزارش کارهای خبرنگارگی (۱) خود را به واشنگتن و سازمان سیا ارسال میکنند. اخیراً دو تن از همین جاسوسان (بخشید خبرنگاران) با آزادی کامل به مصاحبه با استناد کیرلان پرداختند و طبق معمول سئوالان درباره «خطی شوروی» و افغانستان بود که، «آیا شما نگرانی دارید که روسها از مزبکند تدهمان کاری را که در جلال آباد افغانستان کردند، پیش آورند...» (آزادگان ۳۱ خرداد)

ماهیت این خبرنگاران و سئوالان آنقدر مشخص بود که استناد کیرلان هم در پایان مصاحبه به خبرنگار خبرگزاری پارس گفت:

«سفر اینها بنظر من معمولاً فرضا نه است و هیچ اعتقادی هم ندارند که اینها بخواهند مطلبی را که گفتیم عیناً منعکس کنند و اگر هم بخواهند... برخلاف منعکس می کنند» (همانجا)

مجازات سنگین

یادتان هست که چند روز پیش «گروه ضربت» کمیته مرکزی کرمانشاه که به قول مشاور رئیس جهود (محمد حسن بیخسینی) کارهایی می کرد که فقط «نظایرش درسواک و سایر زنده انهای مخوف انجام می شده» منحل شد، و یادتان هست که ۳۰ نفر از مسبین این اعمال، که مقصر و معجز تشخیص داده شدند، به دستور مشاور رئیس جمهوری بازداشت و زندانی شدند؟ (کیهان - ۲۶ خرداد)

حما بهداز این افشاء گریها درباره «گروه ضربت» انتظار داشتید که آنها سر میامحا که شوند به مجازات برسند، ولی... افراد زندانی گروه ضربت کرمانشاه بدون اجازه مقامات آزاد شدند!



رکورد جدید برای دوچرخه سواری جهان

در جریان مسابقه های انتخابی المپیک مسکو، هاینس ایسلر و اوریس فروله، که هر دو از سوئیس هستند، رکورد یک کیلومتر داخل تالار را به جود بخشیدند. در جریان این مسابقات، که در شهر هالن اشتادایون آلمان- فدرال برگزار شد، ابتدا هاینس ایسلر زمان دقیقه و ۶ ثانیه و ۲ صدم ثانیه را به جاداشت و رکورد قبلی جهان را، که متعلق به الکساندر پاتیلوف از شوروی بود، به مقدار ۱۳ صدم ثانیه بهبود بخشید. در جریان همین مسابقه، اوریس فروله همین مسافت را در دقیقه و ۵ ثانیه و ۵۸ صدم ثانیه طی کرد و توانست رکورد هموطن خود را، که چند لحظه قبل از آن بدست آمده بود، جا بجا کند.

«پرسش و پاسخ»

جلسات پرسش و پاسخ «روزهای پنجشنبه از ساعت ۱ تا ۶ بعد از ظهر» در دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران تشکیل میشود.

برای مقابله با تجاوز نظامی امپریالیسم آمریکا تمام خلق باید از نظر نظامی مجهز شود